



هفت اورنگ جامی، مینیاتور بالا از نسخه خطی مصور ارزشمند، دربردارنده تصاویری از منظومه هفت اورنگ جامی، مشتمل بر ۲۸ نگاره، که در دوران صفوی، میانه سال‌های ۹۶۳ تا ۹۷۳ قمری، به دستور سلطان ابراهیم میرزا صفوی، برادرزاده شاه تهماسب و حاکم وقت خراسان، کتاب آرای و خوشنویسی شده، و هم‌اینک در نگارخانه هنر فریر واشنگتن نگهداری می‌شود.





# سرنوشت کتاب و آینده زبان و ادبیات فارسی گفتگو با هوش مصنوعی



**اشاره:** هوش مصنوعی آینده جهان است و ما اگر می‌خواهیم پیشتاز باشیم و یا حداقل همتراز با دیگر مردم جهان به حیات خود ادامه دهیم باید بدانیم که آینده چگونه است و از آن عقب نمانیم. این گفتگو با ۳ سؤال ساده و بسیط و پاسخ‌های دقیق هوش مصنوعی نشان دهنده افقی است که پیش‌روی ماست. ماشین‌ها در راهند و هوشمندتر از انسان‌ها! ما کجا هستیم؟

## پرسش: می‌توانی درباره آینده کتاب در حالی که فناوری‌های دیجیتال و مجازی دائم امکانات جدیدی ارائه می‌کنند، برآیم توضیح بدهی؟

نقش کتاب در آینده همچنان مهم و تأثیرگذار خواهد بود، حتی با پیشرفت فناوری و ظهور ابزارهای دیجیتال. در اینجا چند نکته کلیدی درباره نقش کتاب در آینده مطرح می‌شود:

### ۱. حفظ دانش و فرهنگ

کتاب‌ها به عنوان ابزاری برای حفظ و انتقال دانش، فرهنگ و تاریخ باقی خواهند ماند. آنها میراث فکری بشر را در طول زمان حفظ می‌کنند و به نسل‌های آینده امکان دسترسی به این گنجینه‌ها را می‌دهند.

### ۲. توسعه تفکر انتقادی

خواندن کتاب‌های عمیق و تحلیلی به توسعه تفکر انتقادی و خلاقیت کمک می‌کند. در آینده، با افزایش حجم اطلاعات سطحی در فضای دیجیتال، کتاب‌ها می‌توانند به عنوان منبعی برای تفکر عمیق و متمرکز عمل کنند.

### ۳. تکامل فرمت‌ها

با پیشرفت فناوری، کتاب‌ها به شکل‌های مختلفی از جمله کتاب‌های الکترونیکی، صوتی و تعاملی عرضه خواهند شد. این تنوع فرمت‌ها دسترسی به کتاب‌ها را برای افراد بیشتر و راحت‌تر می‌کند.

### ۴. مقابله با اطلاعات نادرست

در عصر اطلاعات، کتاب‌ها می‌توانند به عنوان منبعی معتبر و قابل اعتماد عمل کنند و به مقابله با اطلاعات نادرست و شایعات کمک کنند.

### ۵. تأثیر بر آموزش

کتاب‌ها همچنان نقش کلیدی در سیستم‌های آموزشی خواهند داشت، چه به صورت چاپی و چه دیجیتال. آنها به عنوان ابزاری برای یادگیری عمیق و پایه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها استفاده خواهند شد.

### ۶. ارزش احساسی و تجربه فیزیکی

برای بسیاری از افراد، کتاب‌های چاپی ارزش احساسی و تجربه فیزیکی خاصی دارند که جایگزینی برای آن وجود ندارد. این تجربه لمس کتاب، ورق زدن صفحات و بوی کاغذ برای برخی بی‌همتا است.

### ۷. توسعه شخصی و خودآموزی

کتاب‌ها به عنوان ابزاری برای توسعه شخصی و خودآموزی باقی خواهند ماند. افراد می‌توانند از طریق کتاب‌ها مهارت‌های جدید بیاموزند، دیدگاه‌های خود را گسترش دهند و به رشد فردی دست یابند.

### نتیجه‌گیری

با وجود تغییرات فناوری، کتاب‌ها همچنان نقش مهمی در آینده خواهند داشت. آنها نه تنها به عنوان منبع دانش، بلکه به عنوان ابزاری برای تفکر عمیق، حفظ فرهنگ و توسعه شخصی باقی خواهند ماند. فرمت‌ها ممکن است تغییر کنند، اما ارزش و اهمیت کتاب‌ها به عنوان بخشی از زندگی بشر ادامه خواهد یافت.

## پرسش: یک کتاب خوب معمولاً ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر کتاب‌ها متمایز می‌کند و باعث می‌شود برای خواننده جذاب، تأثیرگذار و به یادماندنی باشد؟

در اینجا برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک کتاب خوب را بازگو می‌کنم:

### ۱. محتوای جذاب و معنادار

ایده‌ی قوی: کتاب خوب معمولاً دارای ایده‌ای منحصربه‌فرد یا نگاهی نوبه موضوعات آشناست.

پیام روشن: کتاب‌هایی که پیام یا درون‌مایه‌ی روشنی دارند، تأثیر

بیشتری بر خواننده می‌گذارند.

ارزش آموزشی یا الهام‌بخش: کتاب خوب می‌تواند به خواننده دانش جدید بیاموزد یا او را به تفکر و تغییر تشویق کند.

### ۲. شخصیت‌پردازی قوی

شخصیت‌های باورپذیر: شخصیت‌های کتاب باید دارای عمق، انگیزه‌های روشن و ویژگی‌های انسانی باشند تا خواننده بتواند با آنها ارتباط برقرار کند.

توسعه شخصیت: شخصیت‌ها باید در طول داستان رشد کنند و تغییراتی را تجربه کنند.

### ۳. طرح داستان منسجم

شروع جذاب: کتاب خوب معمولاً با یک شروع قوی و جذاب خواننده را به خود جلب می‌کند.

گره‌های داستانی: وجود تعلیق و چالش‌های جذاب در داستان باعث می‌شود خواننده به ادامه‌ی کتاب علاقه‌مند شود.

پایان رضایت‌بخش: پایان کتاب باید به اندازه‌ی کافی قوی و منطقی باشد تا خواننده احساس رضایت کند.

### ۴. سبک نوشتاری روان و جذاب

زبان ساده و واضح: کتاب خوب به گونه‌ای نوشته می‌شود که خواننده بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند.

توصیفات زیبا: استفاده از توصیفات خلاقانه و تصویرسازی‌های قوی به غنای متن کمک می‌کند.

تناسب لحن: لحن کتاب باید با موضوع و مخاطب آن هماهنگ باشد.

### ۵. تأثیر احساسی

ایجاد همدلی: کتاب خوب می‌تواند احساسات خواننده را برانگیزد و او را به فکر وادارد.

به یاد ماندنی: کتاب‌هایی که احساسات عمیق را در خواننده ایجاد می‌کنند، معمولاً در خاطر می‌مانند.

### ۶. اصالت و نوآوری

ایده‌های جدید: کتاب خوب معمولاً ایده‌های تازه‌ای ارائه می‌دهد یا موضوعات قدیمی را از زاویه‌ای جدید بررسی می‌کند.

سبک منحصربه‌فرد: نویسندگان بزرگ اغلب سبک نوشتاری خاص خود را دارند که کتاب‌شان را متمایز می‌کند.

### ۷. تناسب با مخاطب

شناخت مخاطب: کتاب خوب نیازها، علایق و سطح درک مخاطب خود را در نظر می‌گیرد.

قابلیت ارتباط: کتاب باید بتواند با طیف وسیعی از خوانندگان ارتباط برقرار کند.

### ۸. ویرایش و ساختار مناسب

ساختار منسجم: کتاب خوب دارای ساختاری منطقی و منسجم است که به خواننده کمک می‌کند به راحتی موضوع را در دسترس داشته باشد.

ویرایش حرفه‌ای: کتاب‌هایی که به دقت ویرایش شده‌اند، معمولاً از نظر زبانی و محتوایی کیفیت بالاتری دارند.

### ۹. تأثیر گذاری بلندمدت

ایجاد تغییر: کتاب خوب می‌تواند دیدگاه‌ها، رفتارها یا نگرش‌های خواننده را تغییر دهد.

ماندگاری: کتاب‌هایی که حتی سال‌ها پس از خواندن در ذهن خواننده باقی می‌مانند، معمولاً کتاب‌های خوبی هستند.

### ۱۰. تنوع موضوعی و فرهنگی

گسترده‌ی موضوعات: کتاب خوب می‌تواند درباره هر موضوعی باشد،

اما باید به گونه‌ای ارائه شود که برای خواننده جذاب و مفید باشد.

احترام به تنوع فرهنگی: کتاب‌هایی که به فرهنگ‌ها، عقاید و تجربیات مختلف احترام می‌گذارند، معمولاً تأثیر بیشتری دارند.

### نتیجه‌گیری

یک کتاب خوب ترکیبی از محتوای غنی، شخصیت‌های جذاب، داستان‌پردازی قوی و سبک نوشتاری روان است. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند کتاب نه تنها سرگرم‌کننده باشد، بلکه تأثیر عمیقی بر خواننده بگذارد و در خاطر او بماند.

## پرسش: آیا می‌توانی درباره اهمیت و آینده زبان و ادبیات فارسی برآیم بگویی؟

زبان و ادبیات فارسی یکی از غنی‌ترین و قدیمی‌ترین میراث‌های فرهنگی جهان است که نه تنها برای فارسی‌زبانان، بلکه برای همه مردم جهان اهمیت زیادی دارد. در اینجا به برخی از جنبه‌های اهمیت زبان و ادبیات فارسی اشاره می‌شود:

### ۱. اهمیت برای فارسی‌زبانان

هویت فرهنگی: زبان فارسی بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی مردم ایران، افغانستان، تاجیکستان و دیگر مناطق فارسی‌زبان است. این زبان قرن‌هاست که به عنوان ابزاری برای بیان فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های این جوامع عمل کرده است.

ارتباط با گذشته: ادبیات فارسی، از جمله شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، غزلیات مولوی و اشعار سعدی، مردم را به گذشته‌ی پرافتخار خود متصل می‌کند و حس غرور ملی را تقویت می‌کند.

تقویت وحدت: زبان فارسی به عنوان یک زبان مشترک، میان اقوام و گروه‌های مختلف در ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان ارتباط برقرار می‌کند و به وحدت فرهنگی کمک می‌کند.

### ۲. اهمیت برای جهان

میراث جهانی: ادبیات فارسی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهانی شناخته می‌شود. آثار شاعران و نویسندگان بزرگ مانند فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و خیام در سراسر جهان مورد تحسین و مطالعه قرار می‌گیرند. تأثیر بر ادبیات جهان: ادبیات فارسی تأثیر عمیقی بر ادبیات جهان داشته است. به عنوان مثال، اشعار مولوی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران عرفانی جهان شناخته می‌شود و آثارش به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شده است.

ارزش‌های انسانی: ادبیات فارسی مملو از مفاهیم عمیق انسانی مانند عشق، صلح، عدالت، آزادی و معنویت است که برای همه مردم جهان الهام‌بخش و آموزنده است.

### ۳. اهمیت ادبی و هنری

شعر و نثر غنی: زبان فارسی به دلیل ظرفیت بالای خود در بیان مفاهیم عمیق و زیبایی‌های هنری، یکی از مهم‌ترین زبان‌های ادبی جهان است. تنوع سبک‌ها: از سبک‌های کلاسیک مانند سبک خراسانی و عراقی تا سبک‌های مدرن، ادبیات فارسی تنوع بی‌نظیری دارد که برای پژوهشگران و علاقه‌مندان جذاب است.

### ۴. اهمیت علمی و تاریخی

منابع تاریخی: بسیاری از متون تاریخی و علمی به زبان فارسی نوشته شده‌اند که برای مطالعه تاریخ و تمدن ایران و منطقه بسیار ارزشمند هستند. تأثیر بر علوم: در دوران طلایی اسلام، دانشمندان ایرانی مانند ابوعلی سینا، خوارزمی و بیرونی آثار خود را به زبان فارسی یا عربی نوشتند که به پیشرفت علوم در جهان کمک کرد.

### ۵. اهمیت در عصر حاضر

دیپلماسی فرهنگی: زبان فارسی به عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی عمل می‌کند و به معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به جهانیان کمک می‌کند.

جذب گردشگر: آثار ادبی و تاریخی فارسی، مانند اشعار حافظ و سعدی، گردشگران زیادی را به ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان جذب می‌کنند. ترجمه و انتشار جهانی: بسیاری از آثار ادبیات فارسی به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند و در سراسر جهان خوانده می‌شوند، که این امر به گسترش فرهنگ فارسی کمک می‌کند.

### ۶. اهمیت عرفانی و فلسفی

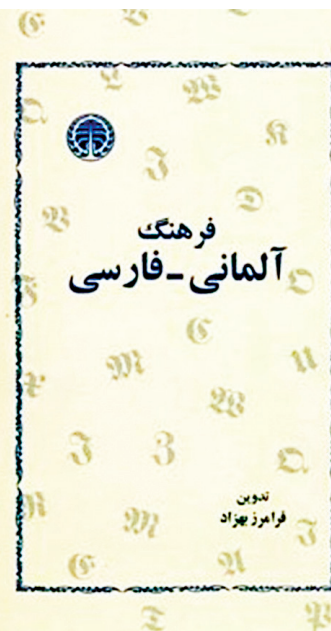
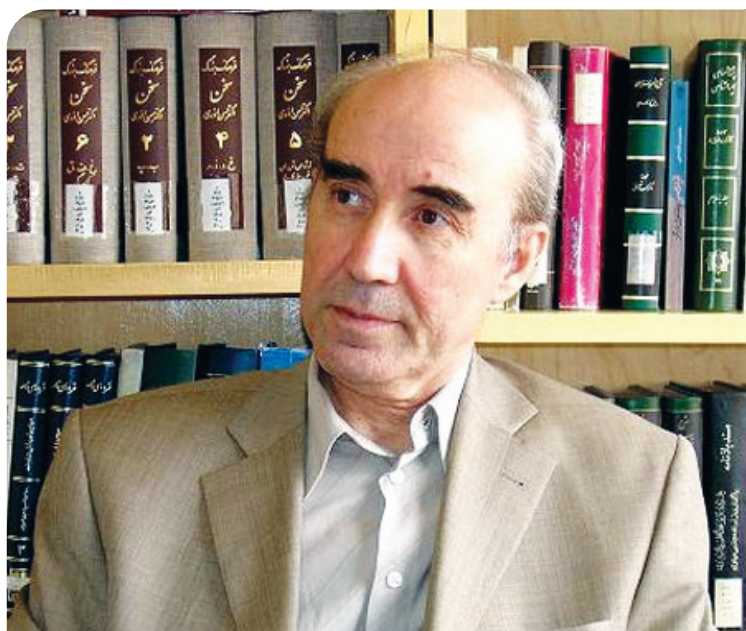
عرفان و معنویت: ادبیات فارسی، به ویژه آثار مولوی و حافظ، سرشار از مفاهیم عرفانی و معنوی است که برای جویندگان حقیقت در سراسر جهان جذاب است.

فلسفه و اندیشه: اشعار و متون فلسفی فارسی، مانند آثار خیام و سهروردی، به تفکر عمیق و پرسش‌های فلسفی کمک می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

زبان و ادبیات فارسی نه تنها برای فارسی‌زبانان به عنوان بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی اهمیت دارد، بلکه برای همه مردم جهان به عنوان میراثی غنی و ارزشمند شناخته می‌شود. این ادبیات با مفاهیم عمیق انسانی، زیبایی‌های هنری و تأثیرات تاریخی‌اش، همچنان الهام‌بخش و آموزنده است. حفظ و ترویج زبان و ادبیات فارسی نه تنها به غنای فرهنگی جهان کمک می‌کند، بلکه به تقویت صلح و تفاهم میان ملت‌ها نیز یاری می‌رساند.





## از یادداشت‌های دکتر احمد رضا قائم مقامی



مسائل لغوی و تاریخی زبان فارسی می‌تواند بر تحقیقات دانشمندانی مانند مرحوم دکتر تفضلی نیز برتری داد که بیشتر متوجه فارسی میانه بوده و به جهت گروه کوچکی از اهل تحقیق نوشته شده است.

باری، با آنکه البته باید متوجه بود که سنجیدن دوره آن بزرگان با دوره ما همیشه درست نیست، باز به جهت درستی آراء و درستی روش تحقیق در مسائل تاریخی زبان فارسی کتابها و مقالات هیچ یک از پیشینیان با نوشته‌های او قابل مقایسه نیست، مگر در چشم کسانی که گمان می‌کنند هر چیز قدیمی مثل جنس عتیقه بر هر جنس نوی برتری دارد. به علاوه، این هم هست که آن بزرگان، با آنکه به فضیلت پیشروی و بنیانگذاری آراسته بودند، در همان دوره نیز گاه بایست به اصولی پایبند باشند، که بعضی معاصران آنان مانند مرحوم استاد مینوی بدانها پایبند بودند، و از بعضی بی‌پرواییها که گاه مسیر تحقیقات را چند سال منحرف کرده پرهیز کنند. آن بزرگان نقاط عطفی در تاریخ این قسم تتبعات بودند و به تأسیس شعبه‌ای از مطالعات توفیق یافتند که پیش از آن تقریباً هیچ بود و جز فضل و علم بدین واسطه نیز در چشم پیشینیان آنان تا امروز بزرگ و ارجمند شدند. اما نزدیکترین این نقاط عطف به زمان ما آقای دکتر صادقی است و باید امیدوار بود که آنچه بعد از تحقیقات او نسخ شده دوباره از سر گرفته نشود. این ناموس علم است و در کار تحقیق کم فضیلتی نیست که کسی قسمی از تحقیقات پیشینیان خود را نسخ کند و راه تازماری را بگشاید.

گفتنی‌های دیگر را باید در وقتی دیگر گفت. امروز آرزو می‌کنم که استاد هرچه زودتر سلامت خود را بازیابد و به سر مطالعات و تتبعات خود بازگردند.

فرهنگی بالنسبه کوچک به شمار است، البته از این جهت که عرض شد نباید نقص کار او شمرد.

فرهنگ فارسی به آلمانی او نیز در فارسی مانند ندارد و این هر دو کافی است که نام او را در کنار خادمان به زبان فارسی در دوران معاصر جای دهد. سخن گفتن درباره خدمات او در تدریس زبان آلمانی و نقل آثار آن زبان به فارسی و کمک به ارتباط فرهنگی این دو مملکت در صلاحیت من نیست.

### درباره دکتر علی اشرف صادقی

درباره تحقیقاتی که به تاریخ زبان فارسی و تحولات آن در دوران پس از اسلام مربوط است بنده به ضرس قاطع می‌گویم، و از عهده آن برمی‌آیم، که تحقیقات هیچ ایرانی در آن به اهمیت تحقیقات آقای دکتر علی اشرف صادقی نیست. حتی آنچه مرحوم دکتر خانلری و همکاران او در بنیاد فرهنگ ایران، یعنی در کتاب ارجمند تاریخ زبان فارسی، نوشته‌اند، گرچه حسنش آن است که شکل کتاب دارد و مجموع است، به لحاظ دقت فروتر است از آنچه در مقالات آقای دکتر صادقی نشر یافته. همین را در نسبت با سبک‌شناسی مرحوم بهار نیز باید گفت که جلد اول آن، چنانکه قبلاً نیز گفته‌ام، به دلیل اغلاط بیرون از شمار بکلی باید از دایره تحقیقات بیرون گذاشته شود. کوششهای مرحوم دکتر معین در لغت‌نویسی و تحقیقات لغوی نیز با آنکه بسیار مجدانه بوده به سبب بی‌بهره بودن از بعضی آگاهیها در آن مقام نیست که بتوان آنها را به لحاظ دقت علمی با آنچه از زیر قلم آقای دکتر صادقی بیرون آمده سنجید. از طرف دیگر، چون در سالهای اخیر نفوذ کلام آقای دکتر صادقی در بین ادیبان نیز بیشتر شده، تحقیقات او را در شناخت

### ادای دین به فرامرز بهزاد

فرامرز بهزاد چند روز پیش درگذشت. من چون با ترجمه‌های او کمتر آشنا هستم، در آن باره چیزی نمی‌توانم بگویم. آنچه مرا و مانند مرا مدیون او می‌کند دو فرهنگ اوست. از میان فرهنگهای آلمانی به فارسی فرهنگ او البته بر همه آن فرهنگها که دیدم برتری دارد و در آن اصالتی است که در آن دیگر فرهنگها نیست. این را مخصوصاً در ترجمه و یافتن معادل برای عبارات و اصطلاحات می‌توان دید.

در یافتن معادل برای مفردات نیز فرهنگ او گاه برتریش روشن است. از این دو جهت به نظرم فرهنگ او بر فرهنگهای خوب انگلیسی و فرانسوی به فارسی (مانند فرهنگ پویا و هزاره و نشر نو) نیز برتری دارد و این فقط از دانستن زبان آلمانی نیست؛ گویا فارسی‌دانی او سبب اصلی است، و دوری از ایران در این فارسی‌دانی بی‌اثر نبوده است (چنانکه مترجمانی مانند آقای سروش حبیبی نیز به همین سبب فارسیشان از شر فارسی انقلابی، به تعبیر مرحوم سید جواد طباطبایی، برکنار مانده است). اندازه این فرهنگ را، که

## پرتله‌های مینیاتوری امپراتوران مغول / ترکیب سنت و مدرنیسم



هنرمند امجد علی تالپور در کالج ملی هنر پاکستان در لاهور در نقاشی مینیاتور، تکنیک سنتی که در زمان امپراتوری مغول رایج شده بود، آموزش دیده است. این هنرمند گفته است: استاد من حاجی محمد شریف، نقاش درباری، بود. بنابراین من بخشی از آموزش مستقیم آن دوره هستم. تالپور پرتله‌های ۱۳ در ۱۵ سانتیمتری خود از امپراتوران مغول را بر روی کاغذهای دست‌ساز کار می‌کند و طبق سنت، قلم‌ها و رنگ‌های خود را می‌سازد. اما او عنصری منحصر به فرد به آن اضافه کرده است و نقاشی‌هایش شبیه پازل‌های کشویی است. به اعتقاد او «بازیگوش بودن کار من به این معناست که بیننده در حین نگاه کردن به آن، سعی در حل یک معما در ذهن خود دارد. من تصویر را تحریف می‌کنم تا بیننده در نقاشی من غرق شود.» پیوند با امپراتوری مغول نیز برای تالپور مهم است و می‌گوید: مردم می‌میرند، اما افکار و عقاید آنها به اشکال مختلف ادامه می‌یابد.



## ۴ ادبیات پارسی

قصه در ادبیات کلاسیک ایران، شکل ها و مضمون های متنوعی دارد. از حکایات و روایات کوتاه که در ضمن آثار تعلیمی یا تبلیغی و حتی تاریخی گنجانده شده، تا مجموعه های حکایی و آثار داستانی مفصل همچون سمک عیار و مقامات حمیدی. در مضمون و محتوا هم انواع و گونه های رتال و تخیلی یا اساطیری و پهلوانی تالیف شده است. برخی بن مایه عرفانی و برخی محتوای تاریخی دارد. در اینجا جریانه‌ها و نمونه های اصلی را معرفی می‌کنم که بیشتر مربوط به سده ششم و پیش از آن است.

### ۱-قصه‌هایی در فنون و رسوم لشکررداری و مملکت‌داری:

مثل «غراض السیاسة»، طبری «آداب الحرب و الشجاعة» مبارک‌شاه، یا «سیاست‌نامه» خواجه نظام الملک این گروه نوشته‌ها، به طور عمده برای طرح یک سری مطالب آیینی در دربارها و پنداندن به امیر یا امرای وقت؛ از حکایات و تمثیلاتی بهره می‌جویند.این حکایات اغلب ذکر امرا و پادشاهان را گذشته را شامل می‌شود. حکایات ساده است و نتیجه‌گیری اخلاقی از آن به طور طبیعی و واضح صورت می‌گیرد. عناصر داستان سازگار با روایات امرا، بر محور پذیرش قطعی قدرت شاه و محدودیت این قدرت، فقط بوسیله وجدانیات و اخلاقی شخص پادشاه صورت حکایی و تعلیمی هسته است. نمونه سترگ این گونه‌ها، قطعا «سیاست نامه» است. نظام الملک در این کتاب نهایت پختگی در بیان و روانی نثر را به کار گرفته است. مطالب آن به جای خود چنان مؤثر بوده که محمد مغربی در باب آن گوید: «هیچ پادشاهی و خاوند فرمانی را از داشتن و دانستن این دفتر(سیاست‌نامه) چاره نیست( دیدار با اهل قلم – غلامحسین یوسفی ص ۱۰۷)

خواجه در سیاست‌نامه به دنبال یک فلسفه سیاسی خاصی می‌گردد.فلسفه سیاسی خود را می‌خواهد بر روی آگاهی و اخلاقی یا بهتر بگوییم، حکمت عملی‌شاه و امیران بنا کند. گویا تزلزل سلوک و سلسله‌های ایران آنها را ناچار کرده است که به دنبال راهی برای ثبات و جلوگیری از تعدی از این راه باشند.روحیات در سیاست نامه مذهبی و اخلاقی است. و شبیه نوعی خاطره‌نگاری سیاسی به اضافه چکیده اندیشه‌های نگارشگر است. اندیشه‌ها و کلمات، منظم‌اند و در دفاع از نظمی که خواجه نظام صبح می‌پندارند مرتب بر رافضیان و اسماعیلیه می‌تازد.که گاه،انتقاد از روزگار می‌کند، اما در مجموع این کتاب همچنان پژواک خلیفات نیک در پندار فرادستان باقی می‌ماند. در سیاست‌نامه کلمات در چارچوب تفکر سیاسی روز معنا می‌شوند. عدل، رضایی حق تعالی، صلاح لشکر، قدرت و… یکی یکی با ذکر قصصی که به دقت انتخاب شده‌اند تحلیل می‌شوند. ویژگی این قصص همین است که به دقت به مکمل عنوان و موضوع مطلبی هستند که خواجه بی گرفته‌است.

### ۲- قصه‌هایی که بازگوکنندهٔ شرح احوال و کرامات عارفان و بزرگان دین است:

مثل طبقات الصوفیه، اسرار التوحید، هزار حکایت عارفان، تذکره الاولیا و نفتح‌اللاتس، اینها اگرچه متون تاریخی و تعلیمی صوفیه است اما آمیخته یا قصص عامیانه‌اند و معمولا نثرهای بسیار دلنشین دارند که در ذکر خوارق غایت و اعمال و افعای نامیه علمی و روحانی مشایخ صوفیه آورده شده است.
عالم‌ترین نمونه‌های این نوع اسرار التوحید است و تذکره الاولیاء که در کیفیت طرح و تنظیم مطالب قدری با یکدیگر تفاوت دارند.

اسرار التوحید نوشته محمد بن منور حکایاتی است که فقط حول محور ابوسعید ابی‌الخیر می‌چرخد و حکایات دلچسبی را با نثر فوق‌العاده زیبایی می‌آمزد. بدیهی است که چارچوب فکری آن نیز اصول کلی تصوف و عرفان ایرانی است. به این نمونه‌ها در نثر اسرار التوحید دقت کنید:

«ندان مرد، بود مرد است.»

« پنداشت و منی تو حجاب است، از میان برگیر و بخدای رسیدی.»
[اسرار التوحید تصحیح دکتر صفا امیرکبیر]

اما فرم و نظم حاکم بر تذکره الاولیا جالبتر است. تذکره یا بیوگرافی هایی است با رعایت توالی زمانی دربارهٔ معارف و رجالی که همه در تاریخ حضور داشته‌اند. اینجا زندگی آنان آمیخته یا قصص و افسانه‌هایی که – شخصیتشان را هاله‌ای از کرامات و خوارق فرا گرفته است.
روایتگر شیخ فریدالدین عطار است و او در حقیقت نگارگر تصورات مردم دربارهٔ این اولیا و صوفیان نامدار است. نامدارانی که شاید نثر و روایت عطار سبب بزرگی و ماندگاری برخی از این انسانهای معنوی شده باشد!
تذکره یک اثر ادبی با سبکی قدرتمند و اثرگذار و صددرصد مردمی است، آنچه آرزوهای مردم و تحلیل چهره‌ها و شخصیت‌های محبوب مردم است.
نثر تذکره کاملاً متناسب با موضوع پرداخت شده است. خصوصاً سر آغازهای کهن‌نظیر و بلکه بی‌نظیر که با سجع کوبنده‌ای درهای بیوگرافی را بروی خواننده به صورت دلپذیر می‌گشاید:

«ان سابق راه معنی، آن ناقد نقد تقوی، آن ننگین خاتم هدایت، آن امین عالم ولایت، آن گنجور اسرار، منصور بن عمار، رحمت‌الله علیه. از حکمای مشایخ و از سادات این طایفه بود…»

… سبب توبه او آن بود که در راه کاغذی یافت

«بسم‌الله الرحمن الرحیم بر وی نیستسته»، برداشت،

جایی نیافت که آن را بنهادی، بخورد و در خواب دید که به حرمتی که داشتی آن رقه را، در حکمت بر تو گشاده کردیم.»(تذکره‌اولیا تصحیح محمداستعلامی ص۲۷۶ – زوار)
بقول دکتر محمود عبادیان: «مصلح این داستان‌ها، افسانه به زندگی مبد، یا زندگی افسانه

شده است، موضوع آنها، ناچیز شماردن فقر مادی و خرسندی یافتن در معنویت عرفانی است.»(انواع ادبی در نثر کلاسیک فارسی – ص ۱۳)

### ۳- قصه‌های نمادین (سمبلیک یا رمزی) عرفانی وفلسفی ودینی:

نظیر اواز پر جبریل و عقل سرخ از سپهروردی، همچنین قصه‌هایی که صیغه اساطیری پیدا می‌کنند، مثل قصص قرآن و پیامبران که در تفسیرها و تواریخ قدسی که از آفرینش آدم و حوا آغاز شده و کتبی نظیر تاریخ بلعی یا قصص الانبیای نیشابوری، یا تفسیر سورابادی یا تفسیر سوره یوسف آمده است.
اساسا «رمز یا سمبل در فرهنگ و تمدن انسانی جلوه‌های گسترده و متنوعی دارد. اساطیر و افسانه‌ها، روایاها و مکاشفات، عرفان و فلسفه و شعر و هنر و ادیان و مذاهب، هر یک به نحوی با رمز پیوند و تعلق دارد. در داستان‌هایی نظیر عقیل سرخ یا حی بن یقظان رمزه‌ا در پیوند، با مطالب دیگر از قبیل تشبیه و استعاره و تمثیل و روایا و واقعه‌های صوفیانه و اساطیر و داستان‌ها و جز آن قرار گرفته است.»با تلخیص از رمز و داستان‌های رمزی –

تقی پورنامداریان – علمی و فرهنگی.)

درمیان کتابهای رمزی عرفانی، آثار روزبهان بقلی شیرازی جایگاه مخصوص و یگانه ای دارد ولی دو اثر او از جهت رمز و تخیل، نمونه و مشابه ندارد.
کتابهای الاتوار فی کشف الاسرار (به فارسی): دربارهٔ مکاشفات اولیا و مقامات اهل معرفت و اسرار صوفیان و کشف الاسرار و مکاشفات‌الاتوار: زندگی‌نامه علمی و روحانی شیخ که در آن دعاوی شگفت‌انگیزی دربارهٔ مکاشفات خود کرده‌است، نمونه های منحصر بفرد با ویژگی‌های انحصاری است.
کشف الاسرار نوعی « زندگی‌نامه روحانی و مکاشفات معنوی» است
روایتگر مکاشفات

و رؤیت‌های شگفت انگیز روزبهان بقلی از کودکی

تا میانه پنجاه سالگی است. روزبهان می‌گوید: «اگر

بخواهم تمامی آنچه بر من گذشت را ذکر کنم، متونی

هفتاد من کاغذ شود. به خدا سوگند که در تمام این

مدّت تا زمان حاضر که پنجاه و پنج سال دارم، روز

یا شبی بر من نگذشته که کشفی از عالم غیب برایم

حاصل نشده باشد. گاه و بیگاه شاهد مشاهدات عظیم و قدیم و درجات والا بودم، و اینها همه از فضل خدای متعال درحق من بود»(روزبهان، کشف الاسرار، ۱۳۹۳، ص۱۵)
کشف الاسرار روزبهان اثری است در ژانر « زندگی‌نامه خودنوشت» و منبع پرپها و نظم فکری در سنت تصوف اسلامی قلمداد می‌شود زیرا در این سنت عزلت گزین و بی پروا نسبت به دنیا و مردم، عارفان مسلمان تمایل اندکی به ثبت سیر و سلوک یا زندگی نامه معنوی یا تجربه‌های شخصی خود داشته‌اند.
آثاری از نوع کشف الاسرار روزبهان در سنت تصوف اسلامی بسیار نادر است. تصوف پژوه نامدار کارل ارنست دربارهٔ این کتاب گفته است: «کشف الاسرار از لحاظ ادبیات صوفیانه، سندی غیر عادی است».
پل نوبا اسلام شناس اروپایی نیز این متن را در حوزهٔ عرفان اسلامی، بلکه در ادبیات عرفانی جهان، بی نظیر خوانده است و البته پیش از همه هائری کرین نیز همین عقیده را دارد.
هر خواننده ای به سرعت متوجه می شود که اینگونه داستان‌ها پیچیدگی خاصی دارد که به سادگی نمی‌توان آنها را تأویل نمود: «فهم این داستان‌ها مستلزم درک معانی مجازی کلماتی است که به نمایندگی اشخاص، حیوانات، پرندگان، اشیاء و مکان‌ها، چارچوب ظاهری داستان را شکل می‌بخشد.این کلمات به منزله رموز و طلسماتی که راه بردن به باطن و دست یافتن به راز و حقیقت مکتوم متن جز از طریق گشودن آنها میسر نیست».
(همان ص ۹)

این داستان‌ها، بالاخص رسائل سپهروردی (رسائل پارسی وی) و آثار روزبهان بسیار شباهت دارند به داستان‌های سمبلیک جدید (مثل مسخ، نوشته فرانتس کافکا) البته با کمی مسامحه و توجه به زمینه‌های تاریخی و فکری خاص خودشان.

### ۴- قصه‌هایی آمیخته که بیشتر از جهت نثر و شیوه‌نویسندگی اهمیت دارند:

در این قصه‌ها، جنبه‌های واقعی و تاریخی و اخلاقی به هم آمیخته است و بیشتر از نظر فرم نویسندگی اهمیت دارد. مثل مقامات حمیدی اثر قاضی حمید بلخی و ترجمه کهن مقامات حریری و از همه جالبتر گلستان سعدی.
اینها را می‌توان مقامه هم نامید و مقامه قصه‌ای است که در آن بیشتر به عبارت‌پردازی و سجع‌سازی و صنایع لفظی توجه بشود و قصه بر محور درونمایه و مضمون واحدی بچرخد.
گلستان یک نمونه بی‌نظیر از این گونه است و نوشته‌های مقدم مثل آنچه ذکر شد یا برخی آثار خواجه عبدالله انصاری یا نوشته‌های متأخران نظیر بهارستان جامی یا بعدها قاتنی در پریان، هیچکدام به او نزدیک نمی‌شوند.
سعدی در این زمینه راه را بر همه بسته است.
مرزبان‌نامه هم بسیار به مقامه شبیه است ولی ما در جای دیگری آنرا قرار می‌دهیم.

در حکایت یا مقامه ما با یک ساختمان هنری کوچک روبرو هستیم که همه چیز در آن تلویحا بیان می‌شود. حکایات گلستان روان و موجزاست. هیچ پیرایه‌ای نثر گلستان را مخدوش نکرده است. یک‌محور و اندیشه واحد دارد که مطلقا نتیجه‌ای اخلاقی یا اجتماعی از آن می‌تراود. بیان موجز سعدی را در برخی نتیجه‌گیری‌هاینگرد:

«پایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشی نداشتم، به جامع کوفه درآمدم دلنتگ،یکی را دیدم که ایست. سباسب نسبت سببست حق بجای آوردم و بر بی‌کفشی صبر کردم.»

یا: «صد چندان که دانا را از نادان نفرت است، نادان را از دانا وحشت است.»

یا: «هان خود خوردن و نشستن به، که کمز

شمشیر زین به خدمت بستن.»

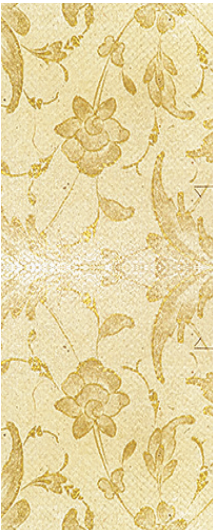
گلستان، عناصر و اجزای متفاوتی دارد، اما همه اینها به شکل واحدی فشرده شده و به صورت موجزی از نظم و نثر با روانی و استحکام هر چه تمامتر عرضه می‌شود. نویسنده معلم با تجربه است که با طرح حکایات زیبا بر تجربه و فهم شاگردان می‌افزاید و

شاگردان او را پهنه‌ای از ملوک تا درویشان و از جوانان تا پیران در برمی‌گیرد.

### ۵-قصه‌هایی که جنبه تاریخی دارد و اغلب در ضمن وقایع تاریخی آمده‌اند:

مثل قصه‌های تاریخ بیهقی تألیف علی بن زید بیهقی و عقد العلّی للموقف الاعلی از افضل کرمانی و خصوصا تاریخ حسنگ وزیر.
در این قصه‌ها، وقایع گاهی مثل داستان حسنگ وزیر، در این قصه‌ها، وقایع گاهی اوقات پیش از آنکه معلول حقایق و اسناد تاریخی باشند. معلول خلاقیت افسانه‌پردازانه مردم یا نویسنده یا راویان بی نام و نشان است.

مثلا در تاریخ بیهقی با آنهمه وسواس ابوالفضل بیهقی که مثلا «نگناشتم چیزی مگر مکتوبی در دست داشتم یا از مردی ثقه شنیدم». اما باز صحنه‌پردازی‌ها و وقایع افسانه‌وار می‌بینیم، توصیفات بیهقی با توصیف



پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات چهارشنبه یکم اسفند ۱۴۰۳ – سال نودونهم – شماره ۲۸۸۹۰

#### ۵-قصه‌هایی که جنبه تاریخی دارد و اغلب در ضمن وقایع تاریخی آمده‌اند:

مثل قصه‌های تاریخ بیهقی تألیف علی بن زید بیهقی و عقد العلّی للموقف الاعلی از افضل کرمانی و خصوصا تاریخ حسنگ وزیر.
در این قصه‌ها، وقایع گاهی مثل داستان حسنگ وزیر، در این قصه‌ها، وقایع گاهی اوقات پیش از آنکه معلول حقایق و اسناد تاریخی باشند. معلول خلاقیت افسانه‌پردازانه مردم یا نویسنده یا راویان بی نام و نشان است.

مثلا در تاریخ بیهقی با آنهمه وسواس ابوالفضل بیهقی که مثلا «نگناشتم چیزی مگر مکتوبی در دست داشتم یا از مردی ثقه شنیدم». اما باز صحنه‌پردازی‌ها و وقایع افسانه‌وار می‌بینیم، توصیفات بیهقی با توصیف

## نگاهی به نثر داستانی و انواع قصه‌های منثور در متون کهن پارسی

# حکایت ، قصه و داستان



سید مسعود رازی



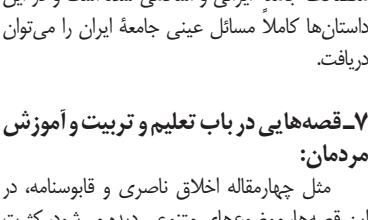
جزء به جزء درادبیات رئالیستی معاصر پهلوی می‌زند. گاهی آنقدر صحنه‌پردازی دقیق و جالب است که خواننده پس از قرن‌ها، خود را به شکل ملموسی با یک رویداد تاریخی روبرو می‌بیند.بیهقی متناسب با وقایع و صحنه‌ها، اعم از شاد، غمگین و یا رزمی، نثر را اندکی چرخش می‌دهد. توصیفات را با حال و هوای موضوع می‌آورد. او در همه حال و در حد توان سعی دارد با

را از گلم حقیقت بیرون نهد. جملات گاهی برشی خشمگین در میانهٔ یک واقعه می‌زنند و این برش‌های حکیمانه مثل صاعقه‌ای صحنه را درخشانتر می‌کند: «سیر خورده گرسنه را مست و دیوانه می‌پندارد» «بزرگا مرذا که این پسرم بود، که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان»

عبارت اخیر از پایان بندی داستان حسنگ است. برای ارزیابی و فهم ارزش تاریخ بیهقی درزمینه قصه

## نگاهی به نثر داستانی و انواع قصه‌های منثور در متون کهن پارسی

# حکایت ، قصه و داستان



این قصه‌ها، موضوع‌های متنوعی دیده می‌شود، کثرت معلومات مؤلفانی چون عنصرالمعالی یا خواجه نصیر سبب می‌شده است تا در کتاب کوچک یا متوسطی، دائره‌المعارفی از معضلات اجتماعی پدید آورند. کافیتی فقط به سرفصل‌های قابوسنامه بنگرید تا از کثرت مطالب مفروجه متحیر شوید. در قابوسنامه اسلوب ساده است و نثر دل‌انگیز. نویسنده فضل فروشی نمی‌کند و فقط می‌داند که: «هیچ پسر، پند پدر خویش را کاربند نباشد. و اگرچه این سخن مرا معلوم بود، مهر پدری و دل‌سوزگی پدران مرا نگذاشت که خاموش باشم.»

توجه اصلی در این کتاب‌ها به عینیات و زندگی عملی است، حکایات و قصص اینها یک نوع آموزش غیررسمی و متداول در میان ملأ ما بوده است، نسل‌های پی در پی حکایات اینان را چون درسی می‌آموخته و می‌آموزداند. دنیای عنصرالمعالی یا خواجه نصیر کاملاً عینی است، با رشتی‌ها و زیبایی‌ها. با طرح هر دو یعنی رشت‌ها و زیبایی‌های حیات، نتیجه‌ای خودبخودی حاصل می‌شود که به سود خوانندهٔ پندپذیر است. گاهی نیز نویسندهٔ حکایات مبدل به منتقد مسائل اجتماعی و اخلاقی می‌شود و به ذم خصوصیات ناخوشایند مردمان می‌پردازد:

«پیر را جز به سیم، غرض حاصل نشود»

یا: «یک هفته نپید خوردن خویش بر دل خلقان

خوش گردانی و زبان عامه بر تو بسته شود»

(نقل‌ها همه از قابوسنامه تصحیح دکتر یوسفی – بنگاه ترجمه و نشر کتاب)

### ۸ – قصه‌هایی که در ارتباط با امثال و حکم فارسی یا عربی تنظیم شده‌اند:

مثل قصه‌های «بریداللساده» تألیف محمدبن نمازی ملطوی، یا «لطائف الامثال» رشیدالدین طوطا

### ۹-قصه‌هایی که محتوای گوناگون دارند:

از معرفت آفریدگار و معجزات پیامبران و کرامات اولیاء و تاریخ ملوک و خلفا و سلسله‌های پادشاهی و احوال شاعران و ادیبان و گروه‌ها و طبقات مختلف مردم گرفته تا موضوع‌های اخلاقی و خصائل انسانی و خلاصه یک چُنگ از مطالب مختلف. بهترین و

عمده‌ترین اثر در این زمینه جوامع‌الحکایات و لوامع حکایات‌های جوامع‌الحکایات درشکله‌اواندازنده‌های مختلف آمده‌اند و مشتمل بر موضوعات گوناگون‌اند، اما

اینجا هم در هر حکایت، خواه چند سطری یا چندین صفحه‌ای، فقط یک اندیشهٔ محوری وجود دارد که به تلویح به میان می‌آید. حکایت‌ها عمدتاً از زبان اشخاص برجسته نقل می‌شوند و مشتمل بر مسائل اجتماعی و اخلاقی‌اند. به این نمونه توجه فرمایید: «و گویند که چون فخرالدوله برادر فناخسرو از برادر بگریخت به نیشابور آمد، وزیر نیشابور در باب او قصصیری بکرد و او را برنجاید، فخرالدوله به نزدیک او رقعهای نوشت که اگر تو را قلم است، مرا شمشیر است، بنگر که کدام قویتر است. وزیر نیشابور جواب نوشت که شمشیر قویتر و قلم بلندتر و تأمل کن که کدام قویتر است. فخرالدوله رقع به شمس‌المعالی عرضه کرد و قاپوس در زیر آن نبشت که تیغ و قلم بی‌مد رای راست بیکار باشد»

### ۱۰-انواع دیگری از قصه‌های پارسی

قصه‌هایی که حاوی سرگذشت‌ها و ماجراهای شاهان و امیران و بازرگانان و مردان و زنان گمنامی است که برحسب تصادف با وقایع عبرت‌انگانه و حکمت‌آموز و حوادث شگفتی ورزو شده‌اند. این قصه‌ها به زبان ساده و رایج روزگار، بازگو شده‌اند و از آن‌ها به عنوان قصه‌های عامیانه نام برده می‌شود. این نوع قصه‌ها اغلب جنبه‌های پهلوانی و سلحشوری و حماسی دارد. مثل سمک عیار و اسکندرنامه و برخی نیز صیغهٔ اساطیری پیدا می‌کنند مثل داراب‌نامهٔ طرسوسی و یمنی که بر بستر نبرد آخر هخامنشیان به سالاری داریوش سوم (دارا) با سیاه مقبونی به سرکردگس الکسندر (اسکندر) نوشته شده است. برخی نیز بیشتر سرگرم کنندنداند تا عبرت‌آموز مثل هزار و یک شب یا طوطی‌نامه. معیناً بزرگ‌ترین و بلندترین آفرینش‌های داستانی در زبان فارسی را این گروه تشکیل می‌دهد. داستان‌های حماسی و عامیانه‌ای نظیر داراب‌نامه‌ها و هزار و یک شب و سمک عیار از زیباترین و جذاب‌ترین کیفیت در میان این انواع برخوردارند لذا ما به اختصار نگاهی به این سه می‌انازیم.

داراب‌نامه طرسوسی سرگشت ادبی نوادگان اسفندیار را به سلطنت «هما» آغاز می‌کند و از آن به داراب و … پوراندخت و … ای آخر می‌رسد. داراب‌نامه اگرچه زمینه‌ای تاریخی بسیار دارد، اما به قصد سرگرم کردن تدارک شده است و مثل شاهنامه حاوی داستان‌های عامیانه کهن و برخی آداب و رسوم ایرانیان قبل از اسلام است و بسیاری از رسومات آنها را منعکس می‌کند. نثر کتاب گاهی مفصل گو و گاهی نیز گزیده‌گو است. بافت عمومی داستان نیز انجاسم کافی ندارد. حوادث گاهی به سرعت رخ می‌دهند و بی‌هیچ دلیلی یا تأثیری از میان می‌روند. گاهی نیز برخی صحنه‌ها واقعا جذاب‌اند و توصیفات لازم و عناصر لازم را به‌طور کامل دارا می‌باشند. رویدادها در داستان متوالی است مانند افسانه‌ها و حکایات مقطع. قهرمان بیشتر یکفرد است که با حرکات و زور بازو دیگران را مقهور می‌کند. مسائل اخلاقی و عاطفی نیز تحت‌الشعاع همین قلدری قرار می‌گیرد. می‌توان اینها را انعکاس واقعیتی که در تاریخ این اقشار و طبقات بوده دانست. در حالی که در حماسه ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی علیرغم انعکاس وقایع و آداب و رسوم تاریخ قدیم ایران، شخصیت‌ها دارای صفات و خلیقات انسانی‌تری هستند و گاهی چنان جاذبه دارند که می‌توانند به‌عنوان مظهر روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.

هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که



## ۴ ادبیات پارسی

قصه در ادبیات کلاسیک ایران، شکل ها و مضمون های متنوعی دارد. از حکایات و روایات کوتاه که در ضمن آثار تعلیمی یا تبلیغی و حتی تاریخی گنجانده شده، تا مجموعه های حکایی و آثار داستانی مفصل همچون سمک عیار و مقامات حمیدی. در مضمون و محتوا هم انواع و گونه های رتال و تخیلی یا اساطیری و پهلوانی تالیف شده است. برخی بن مایه عرفانی و برخی محتوای تاریخی دارد. در اینجا جریانه‌ها و نمونه های اصلی را معرفی می‌کنم که بیشتر مربوط به سده ششم و پیش از آن است.

### ۱-قصه‌هایی در فنون و رسوم لشکررداری و مملکت‌داری:

مثل «غراض السیاسة»، طبری «آداب الحرب و الشجاعه» مبارک‌شاه، یا «سیاست‌نامه» خواجه نظام الملک این گروه نوشته‌ها، به طور عمده برای طرح یک سری مطالب آیینی در دربارها و پنداندن به امیر یا امرای وقت؛ از حکایات و تمثیلاتی بهره می‌جویند.این حکایات اغلب ذکر امرا و پادشاهان را گذشته را شامل می‌شود. حکایات ساده است و نتیجه‌گیری اخلاقی از آن به طور طبیعی و واضح صورت می‌گیرد. عناصر داستان سازگار با روایات امرا، بر محور پذیرش قطعی قدرت شاه و محدودیت این قدرت، فقط بوسیله وجدانیات و اخلاقی شخص پادشاه صورت حکایی و تعلیمی هسته است. نمونه سترگ این گونه‌ها، قطعا «سیاست نامه» است. نظام الملک در این کتاب نهایت پختگی در بیان و روانی نثر را به کار گرفته است. مطالب آن به جای خود چنان مؤثر بوده که محمد مغربی در باب آن گوید: «هیچ پادشاهی و خاوند فرمانی را از داشتن و دانستن این دفتر(سیاست‌نامه) چاره نیست( دیدار با اهل قلم – غلامحسین یوسفی ص ۱۰۷)

خواجه در سیاست‌نامه به دنبال یک فلسفه سیاسی خاصی می‌گردد.فلسفه سیاسی خود را می‌خواهد بر روی آگاهی و اخلاقی یا بهتر بگوییم، حکمت عملی‌شاه و امیران بنا کند. گویا تزلزل سلوک و سلسله‌های ایران آنها را ناچار کرده است که به دنبال راهی برای ثبات و جلوگیری از تعدی از این راه باشند.روحیات در سیاست نامه مذهبی و اخلاقی است. و شبیه نوعی خاطره‌نگاری سیاسی به اضافه چکیده اندیشه‌های نگارشگر است. اندیشه‌ها و کلمات، منظم‌اند و در دفاع از نظمی که خواجه نظام صبح می‌پندارند مرتب بر رافضیان و اسماعیلیه می‌تازد.که گاه،انتقاد از روزگار می‌کند، اما در مجموع این کتاب همچنان پژواک خلیفات نیک در پندار فرادستان باقی می‌ماند. در سیاست‌نامه کلمات در چارچوب تفکر سیاسی روز معنا می‌شوند. عدل، رضایی حق تعالی، صلاح لشکر، قدرت و… یکی یکی با ذکر قصصی که به دقت انتخاب شده‌اند تحلیل می‌شوند. ویژگی این قصص همین است که به دقت به مکمل عنوان و موضوع مطلبی هستند که خواجه بی گرفته‌است.

### ۲- قصه‌هایی که بازگوکنندهٔ شرح احوال و کرامات عارفان و بزرگان دین است:

مثل طبقات الصوفیه، اسرار التوحید، هزار حکایت عارفان، تذکره الاولیا و نفتح‌اللاتس، اینها اگرچه متون تاریخی و تعلیمی صوفیه است اما آمیخته یا قصص عامیانه‌اند و معمولا نثرهای بسیار دلنشین دارند که در ذکر خوارق غایت و اعمال و افعای نامیه علمی و روحانی مشایخ صوفیه آورده شده است.
عالم‌ترین نمونه‌های این نوع اسرار التوحید است و تذکره الاولیاء که در کیفیت طرح و تنظیم مطالب قدری با یکدیگر تفاوت دارند.

اسرار التوحید نوشته محمد بن منور حکایاتی است که فقط حول محور ابوسعید ابی‌الخیر می‌چرخد و حکایات دلچسبی را با نثر فوق‌العاده زیبایی می‌آمزد. بدیهی است که چارچوب فکری آن نیز اصول کلی تصوف و عرفان ایرانی است. به این نمونه‌ها در نثر اسرار التوحید دقت کنید:

«ندان مرد، بود مرد است.»

« پنداشت و منی تو حجاب است، از میان برگیر و بخدای رسیدی.»
[اسرار التوحید تصحیح دکتر صفا امیرکبیر]

اما فرم و نظم حاکم بر تذکره الاولیا جالبتر است. تذکره یا بیوگرافی هایی است با رعایت توالی زمانی دربارهٔ معارف و رجالی که همه در تاریخ حضور داشته‌اند. اینجا زندگی آنان آمیخته یا قصص و افسانه‌هایی که – شخصیتشان را هاله‌ای از کرامات و خوارق فرا گرفته است.
روایتگر شیخ فریدالدین عطار است و او در حقیقت نگارگر تصورات مردم دربارهٔ این اولیا و صوفیان نامدار است. نامدارانی که شاید نثر و روایت عطار سبب بزرگی و ماندگاری برخی از این انسانهای معنوی شده باشد!
تذکره یک اثر ادبی با سبکی قدرتمند و اثرگذار و صددرصد مردمی است، آنچه آرزوهای مردم و تحلیل چهره‌ها و شخصیت‌های محبوب مردم است.
نثر تذکره کاملاً متناسب با موضوع پرداخت شده‌است. خصوصاً سر آغازهای کهن‌نظیر و بلکه بی‌نظیر که با سجع کوبنده‌ای درهای بیوگرافی را بروی خواننده به صورت دلپذیر می‌گشاید:

«ان سابق راه معنی، آن ناقد نقد تقوی، آن نگین خاتم هدایت، آن امین عالم ولایت، آن گنجور اسرار، منصور بن عمار، رحمت‌الله علیه. از حکمای مشایخ و از سادات این طایفه بود…»

… سبب توبه او آن بود که در راه کاغذی یافت

«بسم‌الله الرحمن الرحیم بر وی نیستسته»، برداشت،

جایی نیافت که آن را بنهدی، بخورد و در خواب دید که به حرمتی که داشتی آن رقع را، در حکمت بر تو گشاده کردیم.»(تذکره‌اولیا تصحیح محمداستعلامی ص۲۷۶ – زوار)
بقول دکتر محمود عبادیان: «مصلح این داستان‌ها، افسانه به زندگی مبد، یا زندگی افسانه

شده است، موضوع آنها، ناچیز شماردن فقر مادی و خرسندی یافتن در معنویت عرفانی است.»(انواع ادبی در نثر کلاسیک فارسی – ص ۱۷۳)

### ۳- قصه‌های نمادین (سمبلیک یا رمزی) عرفانی وفلسفی ودینی:

نظیر اواز پر جبریل و عقل سرخ از سپهروردی، همچنین قصه‌هایی که صیغه اساطیری پیدا می‌کنند، مثل قصص قرآن و پیامبران که در تفسیرها و تواریخ قدسی که از آفرینش آدم و حوا آغاز شده و کتبی نظیر تاریخ بلعی یا قصص الانبیای نیشابوری، یا تفسیر سورابادی یا تفسیر سوره یوسف آمده‌است. اساسا «رمز یا سمبل در فرهنگ و تمدن انسانی جلوه‌های گسترده و متنوعی دارد. اساطیر و افسانه‌ها، روایاها و مکاشفات، عرفان و فلسفه و شعر و هنر و ادیان و مذاهب، هر یک به نحوی با رمز پیوند و تعلق دارد. در داستان‌هایی نظیر عقیل سرخ یا حی بن یقظان رمزه‌ا در پیوند، با مطالب دیگر از قبیل تشبیه و استعاره و تمثیل و روایا و واقعه‌های صوفیانه و اساطیر و داستان‌ها و جز آن قرار گرفته است.»(با تلخیص از رمز و داستان‌های رمزی – تقی پورنامداریان – علمی و فرهنگی.)

درمیان کتابهای رمزی عرفانی، آثار روزبهان بقلی شیرازی جایگاه مخصوص و یگانه ای دارد ولی دو اثر او از جهت رمز و تخیل، نمونه و مشابه ندارد. کتابهای الاتوار فی کشف الاسرار (به فارسی): دربارهٔ مکاشفات اولیا و مقامات اهل معرفت و اسرار صوفیان و کشف الاسرار و افعای اعمال و افعای نامیه علمی و روحانی شیخ که در آن دعاوی شگفت‌انگیزی دربارهٔ مکاشفات خود کرده‌است، نمونه های منحصر بفرد با ویژگی‌های انحصاری است. کشف الاسرار نوعی « زندگی‌نامه روحانی و مکاشفات معنوی» است
روایتگر مکاشفات

و رؤیت‌های شگفت انگیز روزبهان بقلی از کودکی

تا میانه پنجاه سالگی است. روزبهان می‌گوید: «اگر

بخواهم تمامی آنچه بر من گذشت را ذکر کنم، مثنوی

هفتاد من کاغذ شود. به خدا سوگند که در تمام این

مدّت تا زمان حاضر که پنجاه و پنج سال دارم، روز

یا شبی بر من نگذشته که کشفی از عالم غیب برایم

حاصل نشده باشد. گاه و بیگاه شاهد مشاهدات عظیم و قدیم و درجات والا بودم، و اینها همه از فضل خدای متعال درحق من بود»(روزبهان، کشف الاسرار، ۱۳۹۳، ص۱۵)
کشف الاسرار روزبهان اثری است در ژانر « زندگی‌نامه خودنوشت» و منبع پرپها و نظم فکری در سنت تصوف اسلامی قلمداد می‌شود زیرا در این سنت عزلت گزین و بی پروا نسبت به دنیا و مردم، عارفان مسلمان تمایل اندکی به ثبت سیر و سلوک یا زندگی نامه معنوی یا تجربه‌های شخصی خود داشته‌اند.
آثاری از نوع کشف الاسرار روزبهان در سنت تصوف اسلامی بسیار نادر است. تصوف پژوه نامدار کارل ارنست دربارهٔ این کتاب گفته است: «کشف الاسرار از لحاظ ادبیات صوفیانه، سندی غیر عادی است».
پل نوبا اسلام شناس اروپایی نیز این متن را در حوزهٔ عرفان اسلامی، بلکه در ادبیات عرفانی جهان، بی نظیر خوانده است و البته پیش از همه هائری کرین نیز همین عقیده را دارد.
هر خواننده ای به سرعت متوجه می شود که اینگونه داستان‌ها پیچیدگی خاصی دارد که به سادگی نمی‌توان آنها را تأویل نمود: «فهم این داستان‌ها مستلزم درک معانی مجازی کلماتی است که به نمایندگی اشخاص، حیوانات، پرندگان، اشیاء و مکان‌ها، چارچوب ظاهری داستان را شکل می‌بخشد.این کلمات به منزله رموز و طلسماتی که راه بردن به باطن و دست یافتن به راز و حقیقت مکتوم متن جز از طریق گشودن آنها میسر نیست».
(همان ص ۹)

این داستان‌ها، بالاخص رسائل سپهروردی (رسائل

پارسی وی) و آثار روزبهان بسیار شباهت دارند به

داستان‌های سمبلیک جدید (مثل مسخ، نوشته فرانتس

کافکا) البته با کمی مسامحه و توجه به زمینه‌های

تاریخی و فکری خاص خودشان.

### ۴- قصه‌هایی آمیخته که بیشتر از جهت نثر و شیوه‌نویسندگی اهمیت دارند:

در این قصه‌ها، جنبه‌های واقعی و تاریخی و اخلاقی به هم آمیخته است و بیشتر از نظر فرم نویسندگی اهمیت دارد. مثل مقامات حمیدی اثر قاضی حمید بلخی و ترجمه کهن مقامات حریری و از همه جالبتر گلستان سعدی. اینها را می‌توان مقامه هم نامید و مقامه قصه‌ای است که در آن بیشتر به عبارت‌پردازی و سجع‌سازی و صنایع لفظی توجه بشود و قصه بر محور درونمایه و مضمون واحدی بچرخد.
گلستان یک نمونه بی‌نظیر از این گونه است و نوشته‌های مقدم مثل آنچه ذکر شد یا برخی آثار خواجه عبدالله انصاری یا نوشته‌های متأخران نظیر بهارستان جامی یا بعدها قانانی در پریان، هیچکدام به او نزدیک نمی‌شوند.
سعدی در این زمینه راه را بر همه بسته است.
مرزبان‌نامه هم بسیار به مقامه شبیه است ولی ما در جای دیگری آنرا قرار می‌دهیم.

در حکایت یا مقامه ما با یک ساختمان هنری کوچک روبرو هستیم که همه چیز در آن تلویحا بیان می‌شود. حکایات گلستان روان و موجزاست. هیچ پیرایه‌ای نثر گلستان را مخدوش نکرده است. یک‌محور و اندیشه واحد دارد که مطلقا نتیجه‌ای اخلاقی یا اجتماعی از آن می‌تراود. بیان موجز سعدی را در برخی نتیجه‌گیری‌هاینگرد:

«پایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشی نداشتم، به جامع کوفه درآمدم دلنتگ،یکی را دیدم که ایستاد. سباسب نسبت تمام حق بجای آوردم و بر بی‌کفشی صبر کردم.»

یا: «صد چندان که دانا را از نادان نفرت است، نادان را از دانا وحشت است.»

یا: «هان خود خوردن و نشستن به، که کمز

شمشیر زین به خدمت بستن.»

گلستان، عناصر و اجزای متفاوتی دارد، اما همه

اینها به شکل واحدی فشرده شده و به صورت موجزی

از نظم و نثر با روانی و استحکام هر چه تمامتر عرضه

می‌شود. نویسنده معلم با تجربه است که با طرح

حکایات زیبا بر تجربه و فهم شاگردان می‌افزاید و

پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات

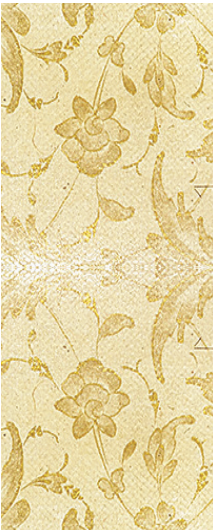
چهارشنبه یکم اسفند ۱۴۰۳ – سال نودونهم – شماره ۲۸۸۹۰

شاگردان او را پهنه‌ای از ملوک تا درویشان و از جوانان تا پیران در برمی‌گیرد.

### ۵-قصه‌هایی که جنبه تاریخی دارد و اغلب در ضمن وقایع تاریخی آمده‌اند:

مثل قصه‌های تاریخ بیهقی تألیف علی بن زید بیهقی و عقد العلّی للموقف الاعلی از افضل کرمانی و خصوصا تاریخ حسنگ وزیر. در این قصه‌ها، وقایع گاهی مثل داستان حسنگ وزیر، در این قصه‌ها، وقایع گاهی اوقات پیش از آنکه معلول حقایق و اسناد تاریخی باشند. معلول خلافت افسانه‌پردازانه مردم یا نویسنده یا راویان بی نام و نشان است.

مثلا در تاریخ بیهقی با آنهمه وسواس ابوالفضل بیهقی که مثلا «نگناشتم چیزی مگر مکتوبی در دست داشتم یا از مردی ثقه شنیدم». اما باز صحنه‌پردازی‌ها و وقایع افسانه‌وار می‌بینیم، توصیفات بیهقی با توصیف



جزء به جزء درادبیات رئالیستی معاصر پهلوی می‌زند. گاهی آنقدر صحنه‌پردازی دقیق و جالب است که خواننده پس از قرن‌ها، خود را به شکل ملموسی با یک رویداد تاریخی روبرو می‌بیند.بیهقی متناسب با وقایع صحنه‌ها، اعم از شاد، غمگین و یا رزمی، نثر را اندکی چرخش می‌دهد.توصیفات را با حال و هوای موضوع می‌آورد. او در همه حال و در حد توان سعی دارد با راز از گلیم حقیقت بیرون نهد. جملات گاهی برشی خشمگین در میانهٔ یک واقعه می‌زنند و این برش‌های حکیمانه مثل صاعقه‌ای صحنه را درخشانتر می‌کند: «سیر خورده گرسنه را مست و دیوانه می‌پندارد» «بزرگا مردا که این پسرم بود، که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان»

عبارت اخیر از پایان بندی داستان حسنگ است.

برای ارزیابی و فهم ارزش تاریخ بیهقی درزمینه قصه

## نگاهی به نثر داستانی و انواع قصه‌های منثور در متون کهن پارسی

# حکایت ، قصه و داستان



سید مسعود رازی



کافیت به داستان حسنگ وزیر و جنبه‌های مختلف آن از نظر درونمایه، شخصیت، صحنه‌آرایی، نثر و… مراجعه‌نماید.

### عـقصه‌هایی که از زبان حیوانات و ماجراهای آن‌ها روایت می‌شود:

در اینها اعمال و احساسات آدمی به حیوانات نسبت داده می‌شود و اغلب جنبه تمثیلی و استعاری دارد و بر مفاهیم معنوی و اخلاقی تکیه می‌کند.
نظیر کلیله و دمنه (انشای ابوالمعالی نصرالله منشی یا داستان‌های پدیدایی که ترجمه محمدبن عبدالله البخاری است و یا اتوار سهیلی ملاحسین اعظ کاشفی) و یا مرزبان‌نامه تألیف مرزبان بن رستم بن شروین.
در ادبیات اروپایی به این نوع قصه، «fable» می‌گویند.
نظیر قصه‌های جنگل از لافوتنن، کلیله و دمنه تأثیر گسترده‌ای بر ادبیات ایران داشته است.
قصه‌هایش شبیه داستان کوتاه است و اگرچه ترجمه‌ای از ادب هند می‌باشد. اما صیغهٔ ایرانی یافته، موضوعات اخلاقی و نتیجه‌ها غالباً پند و حکمتی برای زندگی در خود دارند.
غالب داستان‌ها، تلویحا به ذم دورویی و تزویر و ستایش دوستی و صاقت می‌پردازد.
قهرمانان داستان اگرچه حیوانات هستند، اما افعال و غالباً فکور و زیرکند.
گزارش فارسی کلیله و دمنه، آمیخته با مسائل و معضلات جامعهٔ ایرانی و اسلامی شده است و در این داستان‌ها کاملاً مسائل عینی جامعهٔ ایران را می‌توان دریافت.

### ۷-قصه‌هایی در باب تعلیم و تربیت و آموزش مردمان:

مثل چهارمقاله اخلاق ناصری و قابوسنامه، در این قصه‌ها، موضوع‌های متنوعی دیده می‌شود، کثرت معلومات مؤلفانی چون عنصرالمعالی یا خواجه نصیر سبب می‌شده است تا در کتاب کوچک یا متوسطی، دائره‌المعارفی از معضلات اجتماعی پدید آورند.
کافیت فقط به سرفصل‌های قابوسنامه بنگرید تا از کثرت مطالب مفروجه متحیر شوید. در قابوسنامه اسلوب ساده است و نثر دل‌انگیز. نویسنده فضل فروشی نمی‌کند و فقط می‌داند که: «هیچ پسر، پند پدر خویش را کاربند نباشد.»
و اگرچه این سخن مرا معلوم بود، مهر پدری و دل‌سوزگی پدران مرا نگذاشت که خاموش باشم.» توجه اصلی در این کتاب‌ها به عینیات و زندگی عملی است، حکایات و قصص اینها یک نوع آموزش غیررسمی و متداول در میان تمام ما بوده است، نسل‌های بی در پی حکایات اینان را چون درسی می‌آموخته و می‌آموزدند.
دنایای عنصرالمعالی یا خواجه نصیر کاملاً عینی است، با رشتی‌ها و زیبایی‌ها، با طرح هر دو یعنی رشت‌ها و زیبایی‌های حیات، نتیجه‌ای خودبخودی حاصل می‌شود که به سود خوانندهٔ پندپذیر است. گاهی نیز نویسندهٔ حکایات مبدل به منتقد مسائل اجتماعی و اخلاقی می‌شود و به ذم خصوصیات ناخوشایند مردمان می‌پردازد:

«پیر را جز به سیم، غرض حاصل نشود»
یا: «یک هفته نپید خوردن خویش بر دل خلقان خوش گردانی و زبان عامه بر تو بسته شود»
(نقل‌ها همه از قابوسنامه تصحیح دکتر یوسفی – بنگاه ترجمه و نشر کتاب)

### ۸ – قصه‌هایی که در ارتباط با امثال و حکم فارسی یا عربی تنظیم شده‌اند:

مثل قصه‌های «بریدالسهاده» تألیف محمدبن نمازی ملطوی، یا «الطائف الامثال» رشیدالدین طوطا

### ۹-قصه‌هایی که محتوای گوناگون دارند:

از معرفت آفریدگار و معجزات پیامبران و کرامات اولیاء و تاریخ ملوک و خلفا و سلسله‌های پادشاهی و احوال شاعران و ادیبان و گروه‌ها و طبقات مختلف مردم گرفته تا موضوع‌های اخلاقی و خصال انسانی و خلاصه یک چنگ از مطالب مختلف.
بهترین و

عمده‌ترین اثر در این زمینه جوامع‌الحکایات و لوامع حکایات‌های جوامع‌الحکایات درشکله‌اواندازنده‌های

مختلف آمده‌اند و مشتمل بر موضوعات گوناگون‌اند، اما اینجا هم در هر حکایت، خواه چند سطری یا چندین صفحه‌ای، فقط یک اندیشهٔ محوری وجود دارد که به تلویح به میان می‌آید.حکایت‌ها عمدتاً از زبان اشخاص برجسته نقل می‌شوند و مشتمل بر مسائل اجتماعی و اخلاقی‌اند. به این نمونه توجه فرمایید:

«و گویند که چون فخرالدوله برادر فناخسرو از برادر بگریخت به نیشابور آمد، وزیر نیشابور در باب او قصصیری بکرد و او را برنجانید.فخرالدوله به نزدیک او رقعهای نوشت که اگر تو را قلم است، مرا شمشیر است، بنگر که کدام قویتر است.وزیر نیشابور جواب نوشت که

شمشیر قویتر و قلم بلندتر و تأمل کن که کدام قویتر است.فخرالدوله رقع به شمس‌المعالی عرضه کرد و

قابوس در زیر آن نبشت که تیغ و قلم بی‌مدد رای راست بیکار باشد»

### ۱۰-انواع دیگری از قصه‌های پارسی

قصه‌هایی که حاوی سرگزشت‌ها و ماجراهای شاهان و امیران و بازرگانان و مردان و زنان گمنامی است که برحسب تصادف با وقایع عبرت‌انگیز و حکمت‌آموز و حوادث شگفتی ورزو شده‌اند.این قصه‌ها به زبان ساده و رایج روزگار، بازگو شده‌اند و از آن‌ها به عنوان قصه‌های عامیانه نام برده می‌شود. این نوع قصه‌ها اغلب جنبه‌های پهلوانی و سلحشوری و حماسی دارد. مثل سمک عیار و اسکندرنامه و برخی نیز صیغهٔ اساطیری پیدا می‌کنند مثل داراب‌نامهٔ طرسوسی و یمنی که بر بستر نبرد آخر هخامنشیان به سالاری داریوش سوم (دارا) با سپاه مقدونی به سرکردگس الکسندر (اسکندر) نوشته شده‌است. برخی نیز بیشتر سرگرم کنندنداند تا عبرت‌آموز مثل هزار و یک شب یا طوطی‌نامه. معیناً بزرگترین و بلندترین آفرینش‌های داستانی در زبان فارسی را این گروه تشکیل می‌دهد.داستان‌های حماسی و عامیانه‌ای نظیر داراب‌نامه‌ها و هزار و یک شب و سمک عیار از زیباترین و جذاب‌ترین کیفیت در میان این انواع برخوردارند لذا ما به اختصار نگاهی به این سه می‌انازیم.

داراب‌نامه طرسوسی سرگزشت ادبی نوادگان اسفندیار را به سلطنت «هما» آغاز می‌کند و از آن به داراب و… پوراندخت و… ای آخر می‌رسد. داراب‌نامه اگرچه زمینه‌ای تاریخی بسیار دارد، اما به قصد سرگرم کردن تدارک شده است و مثل شاهنامه حاوی داستان‌های عامیانه کهن و برخی آداب و رسوم ایرانیان قبل از اسلام است و بسیاری از رسومات آنها را منعکس می‌کند. نثر کتاب گاهی مفصل گو و گاهی نیز گزیده‌گو است. بافت عمومی داستان نیز انجاسم کافی ندارد. حوادث گاهی به سرعت رخ می‌دهند و بی‌هیچ دلیلی یا تأثیری از میان می‌روند. گاهی نیز برخی صحنه‌ها واقعا جذاب‌اند و توصیفات لازم و عناصر لازم را به‌طور کامل دارا می‌باشند. رویدادها در داستان متوالی است مانند افسانه‌ها و حکایات مقطع. قهرمان بیشتر یکفرد است که با حرکات و زور بازو دیگران را مقهور می‌کند.مسائل اخلاقی و عاطفی نیز تحت‌الشعاع همین قلدری قرار می‌گیرد. می‌توان اینها را انعکاس واقعیتی که در تاریخ این اقشار و طبقات بوده دانست. در حالی که در حماسه ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی علیرغم انعکاس وقایع و آداب و رسوم تاریخ قدیم ایران، شخصیت‌ها دارای صفات و خلیقات انسانی‌تری هستند و گاهی چنان جاذبه دارند که می‌توانند به‌عنوان مظهر روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.

هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.
هزار و یک شب، مجموعه‌ای است ممزوج از ادب عامیانهٔ اقوام مختلف (هند و ایران و عرب)، محور داستان هزار و یک شب «نتقال» است. داستان‌هایی که هر کدام با جذابیت و پویش پرچاینه‌ای حرکت می‌کنند ولی در پایان به جای رسیدن به نقطهٔ پایانی به نقطهٔ هزیمت و عطف تازمای می‌رسد و به انتظار مخاطب هزیمت روحی و جسمی جامعه محسوب شوند.

## ۵ افسانه

دامن می‌زند و این انتظارات‌های بی در پی فرصت زندگی را برای شهزاد، راوی قصه‌ها فراهم می‌آورد. کثرت و تنوع داستان‌ها بسیار زیاد است. داستان‌ها از صافی ملل مختلف گذشته‌اند و لذا گیرا و خوانندی هستند داستان‌ها زیاد پیچیده نیستند، اغلب ساده شروع می‌شوند ولی در عین سادگی، وسعت می‌یابند، عناصر داستان زنده‌اند و از میان هر تیپ و دسته ممکن انتخاب شده‌اند. مصالح و عناصر هزار و یک شب صد در صد از ذهن و زبان مردم تراوش یافته، و طبیعتاً بیانگر آرزوهای عوام است. نثر هزار و یک شب ساده و روان است. داستان‌ها مسلسل‌وار و دلچسب در پی هم می‌آیند بی‌آنکه راوی درند عمق بخشیدن به مضمون یا پیرایه بستن به شکل داستان باشد.

طوطی‌نامه قصهٔ دیگری است با ساختمان یک

داستان بلند، متشکل از حکایات متعدد مصالح آن بیشتر

با کلیله و دمنه قابل مقایسه است و برخلاف هزار و

یک شب، در این داستان اندرزاها و پندها و خردورزی‌ها

بیشتر است و نتیجه و تجربه بهتر و بیشتری می‌توان از

آن گرفت، معیناً باز هم جنبهٔ سرگرم‌کنندگی در اینجا

بر سایر جنبه‌ها چربش دارد.

در آخر به سراغ سمک عیار می‌رویم، به گمان

من سمک عیار در میان همهٔ قصه‌های کلاسیک ایران

ممتاز است. این امتیاز در اکثر حوزه‌ها و عناصر اثر به

چشم می‌خورد.

سمک نمونهٔ یک فرد آرمانی است. آرمان عوام او

پهلوانی است از تبار مردم. آدمی کوچک‌اندام اما زرنگ

و بی‌پاک. کسی که نه به نیروی بازو و بلکه به نیروی

فکر و جوانمردی با دشمنان درمی‌افتد. این حماسه قافد

پهلوان است اما شخصیت ممتازی دارد به نام «عیار»

که بی‌تردید از جالبترین تیپ‌های اجتماعی در تاریخ

اجتماعی ایران زمین است.

در سمک عیار، هوش و فراست و تجربه،

حضور ذهن، سرعت انتقال، اعتماد به نفس، نیرنگها

و ترفندهای بدیع است که گره از کارهای فروخته

می‌گشاید وگرنه زمینه‌های دیگر هم بسته نیست.

اینگونه فعالیت هوش‌ورزانه برای نوده‌های فردوست

ایرانی بسیار آموخته شده‌است و قطعاً به‌عنوان پانزهی

در برابر قلدری حکام به کار گرفته شده‌است.

سمک عیار به تعبیر درست و گویای «استاد عبادیان:

یک حماسه‌پردازی طراز نو است.»

قصه، روان و گیراست و نقالها آن را سر گذرها

برای مردم می‌خواندند، گویا پرورش کلی و بسط

داستان، معلول همین مسألهٔ پندش داستان‌ها بی در پی

و ماجراها به و غالباً معلول همدند. اما نکاتی

که نامرتب و تصادفی با حوادث نامنظم نیز دارد. سمک

عیار در عین حال دائره‌المعارفی از کلمات، اصطلاحات،

مسائل جغرافیایی تاریخی، نام‌های اشخاص، تاریخ

اجتماعی، تاریخ اقتصادی جامعه ایران در عصر خود

می‌باشد. این نوشته گستره‌ای از مسائل سیاسی و

اجتماعی تا دغدغه‌های خصوصی و خوادگی را در بر

می‌گیرد، کیفیت نبردها و نیروهای نظامی و همچنین

نظام حکومتی و سیاسی و روابط اقتصادی را با کمی

دقت می‌توان از متن سمک بیرون کشید. سمک قصهٔ

مردمی است که به قول دکتر غلامحسین یوسفی، در

آرزوی جوانمردی‌اند و برخلاف دربارهای آلوده که به

گمانی سطحی، خان و مانها به یاد می‌دانند، اینجا

مردم عادی و عامی حضور دارند، با روحیات و آرزوها و

آرمان‌هایی که نشانگان تفاوت کیفی‌شان با طبقات دیگر

است. سخنان را با نوشتهٔ دکتر محبوب تمام می‌کنم:

«در داستان طولانی سمک عیار، حتی یک نمونه

دروغ‌گویی و سست عهدی و پیمان‌شکنی و خیه‌گری

و جبن و آزمندی و زیرپستی و بی‌ناموسی و ناسپاسی

و نمک خوردن و نمکدان کشستن حتی در میان

عیاران گروه مخالف دیده نمی‌شود و مرتکبان این گونه

اعمال در نخستین وهله از جمع عیار



## بختیاری هاومشروطه



امید سلحشوری

کسروی در ادامه در مورد چگونگی تعیین وضعیت حکومت و جانشین محمدعلی شاه پس از پیروزی مجاهدین توسط سران آزادی خواه می نویسد: «محمدعلی میرزا که زیر بیرق بیگانه پناهنده شده و خود رشته کارها از هم گسیخته بود بایستی سران آزادی چاره‌ای جویند و راهی باز کنند و چنین پیداست که سردار اسعد و سپهدار و دیگر همدستان ایشان اندیشه‌ای در این باره نداشتند این بود هنگام پسین انبوهی از ملایان و درباریان و آزادیخواهان و بازرگانان در بهارستان گرد آمدند و انجمنی به نام مجلس عالی برپا نموده با سردار اسعد و سپهدار و دیگران فراهم نشستند به گفتگو درآمدند و چون از انبوهی کاری پیش نمی‌رفت یک کمیسیونی از بیست‌و‌اند تن برگزیده رشته را به دست ایشان سپردند و این کمیسیون که بیشتر اندام‌های آن از سران آزادیخواهان بودند از همان ساعت به کار پرداخته محمدعلی میرزا را از پادشاهی برداشت و پسر سیزده‌ساله او احمد میرزا را به پادشاهی ایران برگزیده عضدالملک رئیس ایل قاجار را پیشکار او گردانید. همان ساعت نوشته‌هایی در این باره نوشته شده برای فرستادن نزد محمدعلی میرزا و احمدشاه و سفارتخانه‌ها و دیگر جاها آماده گردید. نیز چگونگی با تلگراف به علمای نجف و به شهرها آگاهی داده شد. و چون کابینه نیز از میان رفته و کسی به عنوان وزیر یا رئیس‌الوزرا در میان نبود کمیسیون کسان پایین را به وزیری برگزید: سپهدار وزیر جنگ، سردار اسعد وزیر داخله، ناصرالملک وزیر خارجه (تا آمدن او مشارالسلطنه جای او را داشت)، فرمانفرما وزیر عدلیه، مستوفی‌الممالک وزیر مالیه، سردار منصور وزیر پست و تلگراف. و چون سر رشته کارها در دست خود کمیسیون بود رئیس‌الوزراء برنگزیدند. نیز به یفرم‌خان ریاست نظمیته تهران و به صمصام‌السلطنه حکمرانی اصفهان را سپردند. به کسان دیگری به هر کدام کاری دادند. نیز نمایندگانی برگزیدند که نزد محمدعلی میرزا رفته چگونگی را به او آگاهی دهند سپس نزد پسرش رفته مژده پادشاهی رسانند. این نمایندگان روز یکشنبه بیست‌و‌هفتم تیر نخست آهنگ دیدار محمدعلی میرزا را کردند، ولی محمدعلی میرزا ایشان را نپذیرفته با زبان نمایندگان روس و انگلیس آگاهی فرستاد که همانم که از سلطنت‌آباد بیرون آمده چشم از پادشاهی پوشیده و بیرون آمده است. اما احمد میرزا همان‌روز را همراه کسانی از درباریان و دیگران از نزد پدر و مادر خود بیرون آمده در کالسکه پادشاهی نشسته به سلطنت‌آباد رفت و در آنجا عضدالملک و دیگران گرد او را گرفته نوشته کمیسیون فوق‌العاده را برایش خواندند».

این پیروزی سرانجام ماجرا نبود و دوباره خطرات بسیاری اطراف مشروطه را فرا گرفته بود. یکی از این خطرهای بازگشت محمدعلی شاه برکنار شده برای دوباره گرفتن تخت و تاج خود و همچنین شورش سالارالدوله برادر وی بود. کسروی در مورد آخرین تلاش‌های محمدعلی شاه مخلوع برای باز پس گرفتن تخت و تاج خود می‌نویسد: «... از تابستان سال ۱۲۸۹ آگاهی‌ها از آهنگ محمدعلی میرزا به بازگشت و از کوشش‌های او در این باره به دولت ایران می‌رسید و این بود در آن هنگام دولت خواست از پرداخت پول به او که هر سه ماه یکبار بایستی داد خودداری کند، ولی نمایندگان روس و انگلیس سختگیری‌ها کردند و دولت را ناگزیر ساختند که به خیره پول هنگفتی (۲۵ هزار تومان) به او بپردازد.

محمدعلی همین که پول را گرفت دست و بالش بازتر گردید و از اودسا بیرون شتافته در اروپا به گردش پرداخت و شهرهای وینه و برکسلی [بروکسل] و برلین و روم و میران و نیس و پاریس و شهرهای دیگری را دید و در هر یک چندروزی درنگ کرده با هواداران و دمسازان خود دیدار تازه گردانید.

با عموی خود ظل‌السلطان که این هنگام سخت با مشروطه دشمنی می‌نمود و با برادرانش سالارالدوله و شعاع‌السلطنه آنچه گفتنی بود گفت و آنچه نهادنی بود نهاد و بنیاد کار خود را استوار گردانید... چون سال ۱۲۹۰ آغاز شد آگاهی‌ها از باکو و دیگر جاها می‌آمد که همگی آهنگ محمدعلی میرزا را به بازگشت ایران و جنبش کارکنان و هواداران او را می‌رسانیده و آینده را تاریک نشان می‌داد. بیش از همه رفتار نمایندگان سیاسی روس در ایران دیگرگونه شده نیک می‌فهمانید که همگی ایشان چشم به راه محمدعلی

دارند و زمینه برای بازگشت او آماده می‌سازند. کار به جایی رسید که در یک میهمانی در تهران که یک‌دسته از نمایندگان سیاسی دولت‌های اروپا و کسانی از مردان ایرانی بودند و مستر شوستر آمریکایی نیز بود وزیر مختار روس خودداری ننموده آشکاره گفت: در این چند هفته مشروطه ایران به پایان خواهد رسید... بیست‌و‌هشتم تیرماه [۱۲۹۰ خورشیدی] محمدعلی میرزا با یاران خود به شهر استرآباد [گرگان] رسید و رشته کارها را در آنجا به دست گرفت و چندی در آنجا نشیمن داشتند و کار می‌کردند. از آنجا محمدعلی در یازدهم مرداد به اشرف [بهبهر] در آمد و در دوازدهم به ساری رسید. هزار تن ترکمان و دو سه دستگاه توپ همراه داشت و مازندرانان یاری می‌نمودند و رشیدالسلطان پیشاپیش او لشکرگاه پدید می‌آورد.

پس از چندروزی، ملک‌منصور میرزا که در استرآباد باز مانده بود به او پیوست و از آنجا به بارفروش [بابل] در آمدند. از آنسوی، علیخان ارشدالدوله با دو سه هزار ترکمان آهنگ شاهرود نموده آنجا را فرا گرفت و یک‌دسته سپاهیان دولتی که در آنجا بودند به او پیوستند.

از سوی دیگر سالارالدوله با دو هزار سواره و پیاده در پنجم مرداد به کرمانشاهان در آمد و بی‌آنکه جنگی روی دهد شهر را به دست گرفت و سپاهیان دولتی در آنجا نیز به وی پیوستند. سالارالدوله تلگرافی از سنجند به دارالشوری فرستاده و دیگری نیز از کرمانشاهان فرستاد و یک رشته سخنان خشک و تری را به هم بافت. در این هنگام، دارالشوری قانون شگفتی گزارده و آن را چاپ کرده به همه جا پراکنده نمود. بدینسان: کسانی که محمدعلی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند یکصد هزار تومان به آنها داده می‌شود. کسانی که شعاع‌السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست‌و‌پنج هزار تومان به آنها داده می‌شود. کسانی که سالارالدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست‌و‌پنج هزار تومان به آنها داده می‌شود... این قانون بسیار به جا بود و به جان محمدعلی میرزا و برادرانش ترس انداخت... نخستین مژده از میدان فیروزکوه رسید... محمدعلی در بارفروش درنگ داشت.

رشیدالسلطان و سران مازندران به پیشروی از او تا چهار فرسخ از این سوی فیروزکوه پیش آمده در امین‌آباد سنگراه گرفتند. مازندرانان با شور و خروش هواداری از شاه قاجار می‌نمودند، از این سوی، معزالسلطان با دسته‌های خود تا یک فرسنگی آنجا رسیده اینان نیز سنگراه گرفتند. پس از دیری خود محمدعلی تا سوادکوه جلو آمده در آنجا در جایگاه استواری نشیمن گرفت و سخت خود را می‌پایید. روز پنجشنبه هجدهم مرداد دسته‌ای از بختیاریان به سرکردگی جوانی معین همایون نام [محمدرضاخان سردار

فاتح بعدی] از تهران رسیدند و به لشکرگاه مجاهدان پیوستند. فردا آدینه جنگ آغاز گردیده مجاهدان و بختیاریان همگی بر سنگرهای رشیدالسلطان تاختند و تا هنگام شام جنگ سختی پیش می‌رفت. اصائلولیان و مازندرانان با همهٔ ورزیدگی در کار جنگ و با آنکه از پشت سنگر گلوله‌اندازی می‌کردند باز شصت تن کمابیش از ایشان به خاک افتاد و بسیاری تاب ایستادن نیاورده رو به پراکندگی آوردند. خود رشیدالسلطان که با دلیری بسیار رزم می‌کرد دو زخم کاری برداشت و با این همه پا فشاری می‌نمود و پروا نمی‌کرد تا تیری بلوله تفنگش رسیده آن را خورد ساخت. بختیاریان فرصت جسته بر سرش تاختند.

رشیدالسلطان با ته تفنگ سر یکی را شکست، ولی دیگران دست بر نداشته گرفتارش کردند بدینسان جنگ به پایان رسید و از اصائلولیان و مازندرانان هر که زنده مانده بود گرفتار شد و یا بگریخت...

دولت این فیروزی را در تهران آگاهی داد و به همه شهرها تلگراف فرستاد و در همه جا مردم شادمانی‌ها نمودند و بر امیدواری افزودند. هواداران محمدعلی دل شکسته شدند. چندروز دیرتر در بیست‌و‌پنجم مرداد بار دیگر جنگ رخ داد. کسان محمدعلی باز جلوتر آمده سنگر بسته بودند. مجاهدان و بختیاری همین که آگاه شدند بر سر آنان تاختند و هشت ساعت زدوخورد برپا بود. در اینجا نیز فیروزی بهره دولتیان گردید و از کسان محمدعلی هشت تن کشته افتاد.

باز در سیام مرداد جنگ بزرگی روی داد و در این رزم کسان محمدعلی تا دو هزار تن می‌رسیدند و با این همه کاری از پیش نبردند و فیروزی بهره آزادیخواهان گردید که گذشته از کشتگان بسیار پنجاه و چهار تن را دستگیر کرده دو توپ و سیصد تفنگ و صد اسب بدست آوردند...

روز دوازدهم شهریور آگاهی رسید ارشدالدوله تا امامزاده جعفر هشت فرسنگی تهران پیش آمده و گفته می‌شد بار دیگر لشکر دولتی را شکست داده. از این آگاهی تهرانیان سخت شوریدند و شاید هزارها کسان آمادهٔ گریختن بودند و هزاران کسان بسیج پیشوا می‌دیدند. اگر یک گام دیگری ارشدالدوله بر می‌داشت بی‌گمان قزاقان و بسیاری از سپاهیان دیگر که هواخواهان محمدعلی بودند سر به شورش می‌آوردند و بی‌گمان بسیاری از وزیران و نمایندگان دارالشوری پرده را دریده پادشاهی او را آشکار می‌ساختند. کار به جای بسیار باریکی رسیده بود. همان‌روز یفرم‌خان همراه سردار بهادر و سردار محتشم از شهر بیرون شتافتند و فردا سه‌شنبه که سیزدهم شهریور، یازدهم رمضان ۱۲۲۹ بود دو لشکر در دو میلی امامزاده جعفر به هم رسیده به جنگ پرداختند. سپاه ارشدالدوله و نیروی او چنین بود: ترکمانان که از استرآباد همراه او بودند از دو تا سه هزار تن - سواران دولتی که به او پیوسته بودند هزار و چهارصد تن - سربازان دولتی چندین دسته انبوه شماره آنان در دست نیست - توپ چهار دستگاه. اما نیروی یفرم‌خان: فداییان ویژه او یکصد و هشتاد تن - سواران بختیاری هزار تن یا بیشتر - ژاندارم چندین دسته شماره آنان دانسته نیست توپ‌های ماکزیم و شنیدر چهار دستگاه به سرکردگی مستر هاز توپچی آلمانی. جنگ بدینسان روی داد: بامدادان ارشدالدوله تپه‌ای را سنگراه گرفته توپ‌های خود را بر روی آن استوار گردانید و با دسته‌های بختیاری که به سرکردگی یوسف‌خان در برابر او بودند به رزم پرداخت و در گرم‌گرم جنگ یک‌دسته از ترکمانان را بر سر یکی از آبادی‌های نزدیک آنجا فرستاد.







را برشته کنند. آنگه از دیگش برآرند و گوشت در دیگ کنند و بپزند و چون گوشت پخته شود بادنجان را با وی بیامیزند. و اگر خواهند که سرکه بر وی ریزند، زمانی بر آتش رها کنند بعد از آن به کار دارند.

همان سان که اشاره شد برخی از مترجمان متون کهن عربی نام «بوران» مندرج در این گونه آثار، در ترجمه به فارسی بدون تغییر نقل کرده‌اند، از باب نمونه یعقوبی اصفهانی عباسی مصری (احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر) مشهور به «ابن واضح» از نویسندگان و مورخان قرن سوم، از «بوران» دختر خسرو پرویز یاد کرده است؛ همچنین شرحی درباره جشن ازدواج «بوران» دختر حسن بن سهل یا مأمون خلیفه عباسی نوشته است: مأمون از بغداد رهسپار «قم الصلح» شد که خانه حسن بن سهل بود. و «بوران» دختر حسن بن سهل را تزویج کرد، و همان جا با وی عروسی نمود، و چنان عروسی بود که ماندنش دیده نشده.

عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی تتوی (فرهنگ فارسی و عربی نویس هندی، اهل شهر تته، وفات ۱۰۷۱) بر آن گمان بوده که نام دختر یزدگرد «بوران» بوده که در آثار عربی در وجه «بوران» کتابت شده است. در فرهنگ عربی - فارسی منتخب اللغات (تألیف ۱۰۴۶، به نام شاهجهان، پادشاه گورکانی هند)، ذیل «بوران» مطلبی مستند به نوشته «قاموس اللغة» (تألیف ابوطاهر مجد الدین محمد شیرازی، معروف به فیروزآبادی، وفات ۸۱۷ در زبید یمن) از معروفترین کتب لغت عرب، و نیز نوشته ابن خلکان (ابوالعباس احمد بن محمد برمکی ارلی، وفات ۶۸۱) در وفيات الاعیان (تاریخ ابن خلکان) نام این غذای ایرانی را منسوب به «بوران» دختر حسن بن سهل سرخسی، ثبت کرده، و در پی آن با استناد به نوشته ابوعلی سینا (وفات ۴۲۸) در کتاب شفا مبتکر ابداع غذای «بورانی» را منسوب به «بوران» دخت «پرویز» بر شمرده است. همو، در فرهنگ رشیدی (تألیف ۱۰۶۴) تعریفی مشابه با افزودن مطلبی از حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (تألیف ۷۳۰)، درباره «بورانی»، به اظهار نظر پرداخته است. در اینجا مطالب وی به ترتیب از منتخب اللغات و پس از آن فرهنگ رشیدی را عیناً نقل می‌کند:

بوران. دختر حسن بن سهل زوجه مأمون، و «بورانی» بدو منسوب است، چنانکه در شفا و معروف منسوب بدان کذا فی القاموس و تاریخ ابن خلکان. اما شیخ در شفا آورده که «بورانه» [بورانی: بورانی] منسوب به «بوران دخت» بنت «پرویز» است.

بوران دخت. نام دختر «پرویز» که پیش از «آزرمی دخت» یک سال و چهار ماه پادشاهی کرد، و «بورانی» بدو منسوب است، چنانکه در شفا و تاریخ گزیده آورده؛ و صاحب قاموس و ابن خلکان به «بوران دخت» بنت حسن بن سهل زوجه مأمون نسبت داده و اول اصح است. اما در اصل فرس [فارسی میانه: پهلوی] بای فارسی [پ] بوده یعنی دختری که به پسر شبیه است: در شجاعت و ادراک. بعد از اختلاط عجم به عرب، بای فارسی به بای تازی شده.

حمدالله مستوفی (وفات ۷۵۰) در تاریخ گزیده شرحی کوتاه درباره «بوران» دخت «پرویز» دارد «بوران دخت: بنت پرویز... زنی عاقله بود. بورانی بدو منسوب است...». به نوشته همو: مأمون دختر حسن بن سهل «بوران» نام را به زنی بخواست و حسن سهل عمارت عالی جهت داماد بساخت... و مهر [مهریه] «بوران» آن بود که مأمون از بهر او قیام کند. چون حسن سهل در گذشت، «بوران» پیش مأمون رفت. قیام نکرد. بوران گفت: وا اباه. مأمون گفت: به چه دانستی؟ گفت: بدان چه قیام نکردی. حمدالله مستوفی در منظومه حماسی تاریخی ظفرنامه نیز از هر دو «بوران» مورد بحث یاد کرده است. درباره «بوران» دخت «پرویز» ذیل عنوان «رحلت کردن مصطفی، صلی الله علیه»، طی هفتاد بیت به شرح موقع و موضع و تاریخ فوت آن حضرت پرداخته، و در یکی از ابیات تاریخ آن در آخرین ماه سال ایرانی مشخص کرده که مقارن با دوران کوتاه پادشاهی «بوران» دخت «پرویز» بوده است:

به دوشنبه چون صبح بر کرد سر

درآمد به مسجد خدیو بشر...

مه پارسی آخرین ماه سال

به شاهی «بوران» دگر گشت حال

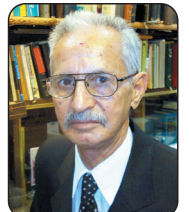
چو دوری گزید از تنش پاک جان

نماند عایشه را شکیب اندر آن...



## پژوهش در نامی کهن و برخی پیوندهای زبانی و معنایی

# بوران و بورانی ۳



استاد محمد حسن ابریشمی

بندار اصفهانی حدود دو قرن بعد از درگذشت حکیم توس (ابوالقاسم فردوسی، وفات ۴۱۶)، شاهنامه را از فارسی به عربی ترجمه کرده است. ایا به راستی در مطلب مزبور نام دختر خسرو پرویز «بوران» بوده است؟ یا آنچه روی سکه این پادشاه ساسانی «بوران» بدون «دخت» حک شده مستند و درست است؟ مرحوم ملک الشعراء بهار تأکید

بر نادرست بودن «بوران دخت» دارد، و با استناد به نوشته‌روی سکه‌های این پادشاه، نام او را «بوران» دخت «پرویز» می‌داند که شرح آن گذشت. در همه متون کهن عربی همه جا نام این پادشاه در وجه «بوران» ثبت شده، و قطعاً در نسخه خطی به قلم فردوسی نیز به همین صورت «بوران» بوده و در ادوار بعد نیز حرف «پ» در کتابت «ب» نوشته می‌شده است. بر این اساس آنچه بنداری اصفهانی از نسخه خطی شاهنامه درباره این پادشاه در مقابل داشته و به عربی ترجمه کرده به این صورت بوده است:

پادشاهی «بوران» دخت «خسرو پرویز» پادشاهیش شش ماه بود

یکی دختری بود «بوران» به نام

چو زن شاه شد کارها گشت خام

بر آن تخت شاهیش بنشاندند

بزرگان بر و گوهر افشاندند

چنین گفت «دخت بوران» که من

نشانی ز پیروز خسرو بجست

خبر چون به نزدیک «بوران» رسید

سرانجام جانش به خواری بداد

همی داشت این زن جهان را به مهر

چو شش ماه بگذشت از کاراوی

به یک هفته بیمار بود و بمرد

چنین است آیین چرخ روان

توانا به هر کار و ما ناتوان

۷. ترجمه کهن مقامات حریری. متن عربی مقامات حریری (تألیف ۵۰۴) نوشته ابومحمد قاسم بن علی بن عثمان (وفات ۵۱۶) است. این متن عربی توسط فضل الله بن عثمان معروف به «سراج کاتب» در سال ۵۸۷ به فارسی ترجمه شده است. حریری مقامه چهارم را با این جملات آغاز کرده است «روایت کرد، حارث همام گفت: دل بنهادم بر بیرون شدن از شهر تبریز، چو بزمانید خوار و عزیز را، و خالی شد از زنهار دهنده و روان کننده...

بدیدم ابوزید سروجی را در خود پیچیده گلیمی، و گرد او درآمد زنان. پرسیدم او را از کار او، و به کجا می‌شود او [یا] گله او؟ اشارت کرد به زنی از ایشان که غلبه کننده بود برهنه رویی او، و آشکار بود رمیدگی او، و گفت: به زنی کردم این زن را تا بر من انس در غربت و بشوید از من گرفتگی غربی...». در پی آن طی شرحی طولانی نسبت‌هایی به آن زن می‌دهد، و او را دروغ زن تر از ابی مسیلمه کذاب (از زنان منقور مشهور عرب) بر می‌شمارد. پس از آن از چندین زن مشهور عرب و دو زن ایرانی «شیرین» و «بوران» پادشاه ساسانی یاد کرده است:

... بیوشیدم عیب تو و برهنگی تو، و پیدا نکردم ننگ ترا. باز آنکه اگر بدادی ترا «شیرین» جمال خود، و «زبیده» مال خود، و «بلقیس» تخت خود، و «بوران» بستر خود، و «زباء» ملک خود، و «رابعه» بصری» پارسایی خود، و «خندف» فخر خود، و «خنساء» شعر خود در مرثیت برادر خود، هر آینه ننگ دار می‌از آنکه باشی هم نشین خانه من، و ماده گشن من گفت: خشم گرفت زن و پلنگ و ارشد...

۸. تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم. ترجمه فارسی از متن عربی بسیار کهن نهاده الأرب فی اخبار الفرس و العرب از ترجمه ناشناخته [احتمالاً حدود قرن ۸] که به کوشش دکتر رضا انزایی نژاد و دکتر یحیی کالانتری در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. در این ترجمه فارسی در پی شرح کشتار جمعی مردان و پسر بچه‌های ساسانی توسط شیرویه، به گزینش «بوران» برای پادشاهی اشاره شده است. اما در متن نسخه «بوران» به جای «بوران» آمده که کوشندگان آن را با استناد به شاهنامه و اخبار الطوال به «بوران» تصحیح کرده‌اند:

... بعد از آن چندانچه از فرزندان کسری را طلبیدند که به سلطنت برگزینند یافت نشد، چه تمامت را شیرویه کشته بود. رأی اهالی مملکت «بوران» بنت «کسری» قرار گرفت... پس پوران بنت کسری را پادشاه گردانیدند. به امر سلطنت مشغول شد و به حسن سیرت و سیاست معاش نمود... یک سال و یک ماه پوران پادشاهی کرد.

### بوران و بورانی

همان سان که در سر سخن اشاره شد، معلودی از نویسندگان و دانشمندان قرن دوم و سوم، در آثار خود به زبان عربی، از غذای معروف ایران با نام «بورانی» یاد کرده‌اند. قدیم‌ترین آنها ابوالحسن مدائنی دانشمند پرکار قرن دوم که در مدائن و بغداد می‌زیسته، و بغداد آن دوران تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بوده است، وی در یکی از خیل آثار خود شرحی درباره چگونگی تهیه و پخت «بورانی» آورده است. حدود چهار قرن بعد از او حبیش تقلیسی (ابوالفضل حبیش بن ابراهیم، قرن ۶) لغوی، ادیب و طبیب، ترجمه فارسی همان مطالب مدائنی را نقل کرده که در آن پرهیز از زیاد خوردن «بورانی» توصیه شده است:

بورانی. مدائنی گوید که: او طعمای لذیذ و خوش بود، اما منفعتش کمتر باشد، و از و بسیار نباید خوردن که سودا انگیز و زیان دارد. صفتش: بادنجان را با کارد ببرند، تا به دو ساعت در آب و نمک نهند، آنگه در دیگ کنند و ابزارهای [ادویه و چاشنی] لطیف و روغن با وی بیامیزند و به آتشی نرم وی



## چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات و ز چهارشنبه اول اسفندماه ۱۳۶۳ (برابر با ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۵، ۲۰ فوریه ۱۹۸۵) نقل شده است.

## دادستانی به بوتیک داران هشدار داد

\* حجت الاسلام میرعمادی دادستان عمومی تهران با انتشار اطلاعیه‌ای بار دیگر به کسانی که از راه‌های غیرمشروع و غیرقانونی اقدام به خرید و فروش کالاهای قاچاق نمایند و با اعمال و رفتار خود عفت جامعه اسلامی را جریحه‌دار می‌سازند، هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است: فرصت طلبان باید بدانند که مبارزه با فساد مقطعی نبوده و نخواهد بود، بلکه تاریشه‌کنی عوامل فساد و منکرات مجدانه ادامه خواهد یافت.

متن این اطلاعیه در زیر از نظر تان می‌گذرد: بسمه تعالی - ملت ما در صحنه مبارزات انقلابی آنچه هدف غائی و نهائی‌اش بود، اجرای احکام مقدس اسلام، ریشه‌کنی فساد و فحشاء و ایجاد یک زندگی نورانی آمیخته با تعالی و عروج انسان به سوی کمال بوده است. متأسفانه با اینکه شش سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و در پهن دشت حیات زندگی شهدای زیادی را تقدیم اسلام نموده است. باز هم گروهی از خدای بی‌خبر از صبر و بردباری ملت شهیدپرور سوءاستفاده نموده و با دایر کردن مراکزی به نام بوتیک اقدام به انجام اعمال غیرقانونی و خلاف شرع کرده‌اند.

## بازدید خبرنگاران از محل اصابت موشک

## در نیر و گاه اتمی بوشهر

\* بندر بوشهر - خبرنگاران، فیلمبرداران و عکاسان خارجی دیروز در بوشهر از محل اصابت یک موشک «اگزوسه» در محوطه نیروگاه اتمی این شهر بازدید کردند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بیش از ۲۰ خبرنگار و عکاس از خبرگزاری‌های فرانس پرس، کیودو، ا-پی - ۱۱ ایتالیا و فیلمبرداران چند شبکه تلویزیونی اروپا، ژاپن و آمریکا طی این بازدید که سه ساعت به طول انجامید، از بقایای یک موشک «اگزوسه» که در چند صد متری راکتور اتمی منفجر شده است، به وقت دیدن کردند و به تهیه خبر گزارش و عکس پرداختند.

## نتایج رسیدگی به پرونده‌های مردودین مر حله تحقیق

## کنکور اعلام شد

چند تن از اعضای شورای تجدیدنظر آزمون دانشگاه‌ها متشکل از نمایندگان هیات عالی گزینش، ستاد پیگیری فرمان امام و وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی گفتگویی ضمن تشریح عملکرد این شورا نقطه نظرات خود را پیرامون گزینش دانشجویان دانشگاه‌ها اعلام کردند.

در این گفتگویی یکی از اعضای دفتر تحقیق و بررسی پیرامون رسیدگی به شکایات مردودین گزینش کنکور ۶۳ اظهار داشت: آمار مردودین مرحله تحقیق کنکور ۶۳ حدود ۳۲۰۰ نفر اعلام شده بود که این رقم در مقایسه با تعداد مردودین ۶۲ کاهش یافته است. وی افزود: تاکنون ۳ هزار و ۱۸ فقره پرونده معترضین کنکور امسال بررسی شده و رسیدگی به حدود ۲۰۰ پرونده نیز در دست اقدام است که تا آخر این هفته بررسی‌های اولیه انشاءالله به پایان می‌رسد، ضمناً ۵۸۷ نفر از این افراد پس از بررسی با سعه صدر و ارفاق و اخذ تعهد قبول و مردودی ۱۰۵۰ نفر دیگر مجدداً تأیید شد و نیز پرونده حدود هزار نفر دیگر به تحقیق مجدد ارسال شده است.

## ۳ کشتی مورد حمله قرار گرفت

\* طی مدتی کمتر از ۲۴ ساعت، ۳ مورد حمله هوایی در آب‌های خلیج فارس، نگرانی‌هایی را برای محافل اقتصادی، پدید آورده است. این حمله‌ها موجب آسیب دیدگی حداقل دو کشتی باری در آب‌های قطر و امارات متحده عربی شده است. به گزارش خبرگزاری آلمان غربی از ابوظبی، خبرگزاری رسمی امارات عربی متحده اعلام کرد که به کشتی کویتی «المناخ» که دیروز در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفت، حداقل چهار راکت اصابت کرده است. یادآوری می‌شود که کشتی کانیتینر بر «المناخ» در بندر رشید واقع در امارات پهلوی گرفته است. از سوی دیگر یک کشتی عربستان سعودی نیز دیروز در آب‌های خلیج فارس، در ۱۱۶ کیلومتری شمال شرقی قطر هدف حمله هوایی قرار گرفت.

## قاب امروز



«مقبره الشعراى تبریز» یک نام و هزار آوازه

## سرایه

هر آنکس عاشق است از جان نترسد

یقین از بند و از زندان نترسد

دل عاشق بود گرگ گرسنه

که گرگ از هی می چوپان نترسد

بابا طاهر

## پند بزرگان

به روزی با کسی روبرو میشین که به گذشته شما اهمیت نمیده؛ چون می‌خواود توی آیندتون، کنار شما باشه ...

آلفرد هیچکاک

زندگی درباره یافتن خود نیست، درباره ساختن خود است.

جورج برنارد شاو

## امروز در تاریخ

## انتشار آیین مدیریت و نامه نگاری ایرانی

بیستم فوریه ۱۹۳۲، «تاراپور» در شهر بمبئی هند «آیین مدیریت و نامه نگاری دولتی ایران» در دوران ساسانیان را از روی یک نسخه اصل دوباره نویسی و منتشر کرد. این آیین نامه یک بخشنامه اداری بود که در دوران سلطنت خسروانشیروان ساسانی برای مقامات دولتی ارسال شده بود تا رعایت کنند.

در این آیین نامه کهن، به مقامات دولتی و کارمندان سازمان‌های عمومی تأکید شده بود که در گزارش‌ها و نامه‌های اداری ملاحظات را کنار بگذارند، روشن بنویسند، لفاظی نکنند، و توجه داشته باشند که اگر گزارش خلاف واقع بدهند به سختی مجازات خواهند شد. همچنین در آن رشوه‌گیری خطرناک‌ترین خیانت به کشور و مردم به حساب آمده که مجازات سنگین و محرومیت خواهد داشت. ترتیب اثر دادن به درد دل‌های مراجعان از نکات مهم این آیین نامه است.

## آخرین خلیفه عباسی نمدمال شد

هفت روز پس از تصرف بغداد توسط نیروهای نظامی هلاکو خان، ایلخان مغولی ایران، و قتل عام نزدیک به دو سوم ساکنان آن، بیستم فوریه ۱۲۵۸، مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی کشته شد و خلافت عباسیان برای همیشه پایان یافت. به هلاکو گفته بودند خلیفه عباسی یک مقام اسلامی است و ریختن خون مقام مذهبی منع شده و برای حکومت او بدیمن است. هلاکو تصمیم گرفت که مستعصم بالله را به طریقه نمدمال کردن از میان بردارد که با این طریقه خون او ریخته نمی‌شود. این تصمیم بیستم فوریه به اجرا درآمد.

## انتقال برده‌های سیاه‌پوست از آفریقا به آمریکا

۲۰ فوریه سال ۱۶۱۹، ناخدای یک کشتی هلندی، ۲۰ سیاه‌پوست را که در آفریقا شکار شده بودند به آمریکای شمالی (ویرجینیا) رسانید و به مهاجران انگلیسی این منطقه فروخت و با این عمل کار انتقال برده از آفریقا به آمریکا آغاز شد.

www.iranianshistoryonthistoday.com

۴۰۴۵

سودوکو \*

|   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
|   |   |   |   | ۸ | ۹ | ۳ |   |
|   |   |   |   |   | ۲ |   |   |
| ۹ |   |   | ۷ | ۳ | ۱ |   | ۶ |
|   |   |   |   | ۲ |   | ۹ |   |
| ۶ |   |   |   | ۶ | ۳ |   |   |
|   |   |   | ۴ | ۵ |   |   | ۲ |
|   | ۳ |   | ۱ |   | ۸ |   | ۷ |
|   |   |   | ۲ |   |   |   |   |
|   |   | ۸ | ۷ | ۳ |   |   |   |

غلامحسین باغبان

طراح جدول

۴۰۴۴

باسخ \*

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۹ | ۴ | ۲ | ۷ | ۶ | ۳ | ۵ | ۱ |
| ۳ | ۵ | ۱ | ۸ | ۹ | ۴ | ۲ | ۷ | ۶ |
| ۲ | ۷ | ۶ | ۳ | ۵ | ۱ | ۸ | ۹ | ۴ |
| ۴ | ۸ | ۹ | ۶ | ۱ | ۲ | ۷ | ۳ | ۵ |
| ۷ | ۲ | ۳ | ۴ | ۸ | ۵ | ۶ | ۱ | ۹ |
| ۶ | ۱ | ۵ | ۹ | ۳ | ۷ | ۴ | ۸ | ۲ |
| ۵ | ۴ | ۸ | ۷ | ۶ | ۹ | ۱ | ۲ | ۳ |
| ۹ | ۳ | ۲ | ۱ | ۴ | ۸ | ۵ | ۶ | ۷ |
| ۱ | ۶ | ۷ | ۵ | ۲ | ۳ | ۹ | ۴ | ۸ |

۶۵۵۸

شرح دوتن \*

| از جنس کل           | بخته | کائف انوسلین | حرف هیتاری | خانه ییلاقی | نویسنده | بیان |
|---------------------|------|--------------|------------|-------------|---------|------|
| سی                  | س    | س            | س          | س           | س       | س    |
| نی و بیامیر         | نی   | نی           | نی         | نی          | نی      | نی   |
| ضی                  | ض    | ض            | ض          | ض           | ض       | ض    |
| مخالفت              | م    | م            | م          | م           | م       | م    |
| زیر قرآنی           | ز    | ز            | ز          | ز           | ز       | ز    |
| م                   | م    | م            | م          | م           | م       | م    |
| اثری از بزرگ علوی   | ا    | ا            | ا          | ا           | ا       | ا    |
| خنده آور            | خ    | خ            | خ          | خ           | خ       | خ    |
| خاشاک               | خ    | خ            | خ          | خ           | خ       | خ    |
| کارتن باز نشده      | ک    | ک            | ک          | ک           | ک       | ک    |
| جهان                | ج    | ج            | ج          | ج           | ج       | ج    |
| لهجه                | ل    | ل            | ل          | ل           | ل       | ل    |
| هم عقیده            | ه    | ه            | ه          | ه           | ه       | ه    |
| جانور عمل نوعی تفنگ | ج    | ج            | ج          | ج           | ج       | ج    |
| دوست                | د    | د            | د          | د           | د       | د    |